نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و سوم، شماره ۷۱، زمستان ۱۴۰۲

تبیین چگونگی کاربست محرک‌های توسعه در فرایند بازآفرینی بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی: هسته تاریخی شهر کرمانشاه)

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱/۸ **پذیرش نهایی**: ۱۴۰۰/۵/۱۶

صفحات: ۴۶۱-۴۳۳

حامد بنی عامریان: دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Email: hamed.baniamerian@yahoo.com
علیرضا عندلیب: دانشیار، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران[1]
Email: a.andalib@srbiau.ac.ir
لعلا جهانشاهلو: استادیار، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Email: Laala_jahan@yahoo.com

چکیده

بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکردی جامع در خصوص احیاء مراکز تاریخی، علیرغم حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی به دنبال ارتقاء کلیه کیفیت مکان تاریخی بوده و سعی در نقش انگیزی محرک‌های توسعه در فرایند بازآفرینی تاریخی دارد. پژوهش حاضر با هدف شناخت مؤثرترین مؤلفه‌های بازآفرینی محرک توسعه مراکز تاریخی و انطباق روابط میان معیارها بر هسته تاریخی شهر کرمانشاه بوده است. روش تجزیه‌وتحلیل در این پژوهش از نوع کمی بوده و مؤلفه‌های چارچوب نظری در قالب یک پرسش‌نامه محقق ساخت با سؤالات بسته، در معرض اعتبارسنجی خبرگان مسلط بر بافت قدیم شهر کرمانشاه (به تعداد ۱۵ نفر و به‌صورت هدفمند و در دسترس) قرار گرفته است. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ و توسط نرم‌افزار SPSS، بررسی گردیده و مقدار ۰/۷۶ نشانه قابل‌قبول بودن میزان پایایی است. همچنین انطباق مؤلفه‌ها بر بافت موردمطالعه، به کمک نرم‌افزار رپید ماینر، در قالب دو درخت تصمیم‌گیری ترسیم و رتبه اهمیت مؤلفه‌ها استخراج گردید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هسته مرکزی بافت تاریخی کرمانشاه، به دلیل حجم بالای تخریب کالبدی نیازمند شکل‌گیری ساخت‌وساز جدید در عین توسعه زیرساخت‌ها بوده و عمده کارکردهای موجود، نیازمند بازتولید هویت تاریخی می‌باشند. همچنین زمینه برای تزریق پروژه پرچم در ترکیب با توسعه دسترسی‌ها و زیرساخت‌های شبکه محلی به‌منظور تغییر روحیه مکان الزامی به نظر می‌رسد. از دیگر نتایج آن‌که محرک‌های توسعه می‌بایست نقش هسته تاریخی را در کلیت شهر، تعریف و تدقیق نموده و آن را به‌مثابه محرک توسعه، به بافت پیرامون در یک شبکه همپیوند متصل سازند. نتایج تطبیق مدل مفهومی پژوهش بر هسته تاریخی کرمانشاه، تأیید می‌نماید که معیارهای اصلی مدل تا حدود زیادی قابلیت انطباق بر مرکز تاریخی شهرهای ایرانی را دارند.

کلید واژگان: بازآفرینی شهری، محرک‌های توسعه، بافت تاریخی، روش تفسیری – ساختاری.

---

۱. **نویسنده مسئول:** تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه شهرسازی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

مقدمه

امروزه با رشد روزافزون شهرنشینی، مشکلات شهری بیش از هر زمان دیگری شده است، این مشکلات با تأثیرگذاری بر تمامی جنبه‌های شهرنشینی، روابط منطقی زندگی شهرنشینی را نابسامان نموده است (عربشاهی، ۱۳۸۲: ۲۸). شهر دارای نظامی پویا است و دائماً تحت تأثیر روابط جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در حال تغییر و تحول است (لک و همکاران[1]،۲۰۲۰: ۳۸۹). در این میان برخی از بافت‌های شهری در طول زمان و بنا به دلایل مختلف دچار ناکارآمدی شده و برای رفع آن بازآفرینی شهری را در ابعاد مختلف تجربه می‌کنند. بافت‌های ناکارآمد شهری (تاریخی) پهنه‌هایی از شهر هستند که در مقایسه با سایر پهنه‌های شهر از جریان توسعه عقب‌افتاده، از چرخه تکاملی حیات جدا گشته و به کانون مشکلات و نارسایی‌ها درآمده‌اند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۷). بافت‌های تاریخی شهرها، شامل تمام اسناد زندگی و فعالیت انسان در طول تاریخ، شکل‌گیری آن و مرکز زندگی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شهرها به شمار می‌روند (تیزدل و همکاران،۱۹۹۶). بسیاری از بافت‌های تاریخی در معرض تهدید قرار دارند، ساختارهای کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی تضعیف‌شده و یا در جریان تأثیرات رشدهای نامتوازن، از بین رفته‌اند (رمزی[2]،۲۰۱۷: ۴۴). با توجه به اهمیت بافت قدیمی و تاریخی در شهرها، اتخاذ رویکردهای مربوط به اجرا و برنامه‌ریزی توسعه آن‌ها دارای اهمیت بوده و بایستی اقدامات مناسب را برای آن‌ها لحاظ نمود که بازآفرینی این بافت در شهرها مهم است (وطن‌پرست[3]،۲۰۲۰: ۲۶۳). بازآفرینی شهری اقداماتی جامع و یکپارچه برای حل چالش‌های شهرهای امروز است که در نهایت به یک پایداری اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و محیطی خواهد انجامید. در سال‌های اخیر بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکرد جدید برای بهسازی و نوسازی بافت‌های تاریخی مطرح‌شده است (شادار و شاج پنسلی[4]،۲۰۲۲: ۳). در این راستا رویکرد بازآفرینی شهری گامی فراتر از مقاصد، آرزوها و دستاوردهای «نوسازی شهری»، «توسعه شهری» و «بهسازی شهری» است و با در نظر گرفتن همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی به بافت، نگاهی جامع و یکپارچه و پایدار دارد (پوراحمد و همکاران،۱۳۹۶: ۱۶۷). از مهم‌ترین مشکلات بافت‌های تاریخی و قدیمی در شهرها می‌توان به ناکارآمدی کالبدی، عدم دسترسی مناسب به درون بافت، عرض کم معابر، کمبود یا فقدان تأسیسات زیربنایی، مشکلات زیست‌محیطی، فقر و محرومیت اجتماعی، سرانه کم خدمات، ناامنی و معضلات اجتماعی- فرهنگی اشاره نمود که هر یک از مشکلات فوق، نوسازی در بافت تاریخی را ضروری می‌نماید (عندلیب و روشن علی،۱۳۹۷). بازآفرینی شهری در بافت فرسوده به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی کالبدی و فعالیتی منجر می‌گردد (یزدانی و همکاران،۱۴۰۰: ۴۳۷) که در این زمینه آنچه مهم است محرک‌های توسعه می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر بازآفرینی بر اساس تحلیل دقیق وضع یک منطقه هدف، تطابق هم‌زمان بافت کالبدی، ساختارهای اجتماعی، بنیان اقتصادی و وضع محیط‌زیست یک منطقه را دنبال می‌کند (محمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۲). در این میان محرک‌های توسعه به‌عنوان ابزاری در درون استراتژی‌های تغییر شکل شهری

[1].Lake et al
[2]. Ramsey
[3]. Vatanparast
[4]. Shadar & Shach-Pinsly

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

شناخته می‌شوند که می‌توانند با استراتژی‌های قبلی ترکیب‌شده و باعث توسعه فضاهای بلافصل خودگردند (نعمتی سرور و اسدیان، ۱۳۹۶: ۳۳۴). در طی سال‌های اخیر، سیاست‌ها و برنامه‌های متعددی برای ارتقاء کیفی و بازآفرینی بافت‌های تاریخی شهری به اجرا گذاشته شده است. یکی از سیاست‌های نوین در این زمینه، به‌کارگیری اقدامات و محرک‌های توسعه با هدف تسریع و تسهیل فرایند تحول در این بافت‌ها است (پریزادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷). محرک‌های توسعه در بافت‌های تاریخی به توسعه کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در این بافت کمک می‌نمایند و حیات دوباره و سرزندگی را می‌توانند تزریق نمایند (گیو و ژانگ[1]،۲۰۲۱: ۴). محرک‌های توسعه در این بافت‌ها می‌تواند به دو روش دائمی (از جمله ایجاد پروژه‌های عمرانی و خدماتی) و موقتی (از جمله برگزاری جشنواره‌های علمی، فرهنگی و...) اجرا شود. در مجموع محرک‌های توسعه در فرآیند بازآفرینی بافت‌های تاریخی می‌توانند تأثیر قابل‌توجهی داشته باشند (اواد و جانگ[2]،۲۰۲۲: ۵)، اما به دلایل مختلف آنچه تاکنون تحت عنوان محرک‌های توسعه در بافت‌های تاریخی برنامه‌ریزی‌شده، موفق نبوده است. با توجه به همین موضوع، در این زمینه مسئله اساسی پژوهش حاضر، عدم تدقیق نقش محرک‌های توسعه در فرایند بازآفرینی مراکز تاریخی است؛ به‌گونه‌ای که نمی‌توان، کلیه مؤلفه‌های مؤثر را در یک برهم نهی ساختارمند، به لحاظ چگونگی اثرگذاری بر یکدیگر و مقیاس عمل مؤلفه‌ها دسته‌بندی نمود. محرک‌های توسعه بایستی بتوانند در فرآیند بازآفرینی شهری نقش مهم و بارزی را ایفا نمایند و بسترساز توسعه بافت تاریخی شوند. شهر کرمانشاه از جمله شهرهایی محسوب می‌شود که دارای تاریخ غنی بوده و بر پایه همین تاریخ، هسته شکل‌گیری این شهر همواره دچار تغییر و تحولات زیادی بوده است. هسته تاریخی بافت قدیم کرمانشاه عموماً ریشه‌ای صفوی داشته و در دوران شکوفایی شهر در دوره قاجاریه، نقش کارکردی مؤثری به لحاظ جنبه‌های عمومی و عملکردی ایفا نموده است. این هسته تاریخی در محله توپخانه (ارگ حکومتی) واقع گردیده و به‌عنوان قدیمی‌ترین مرکز تاریخی شهر شناخته‌شده است. وجود مساجد مختلف در این بافت نشان می‌دهد که کارکرد بافت، بیشتر مذهبی و مسکونی است. در این بافت تنوع کاربری‌ها کم است؛ به‌گونه‌ای که سطح عملکردها و کاربری‌ها در حد کاربری‌های اداری، نظامی، ورزشی و تجاری خرد، تقلیل یافته و ترکیب نامتوازن و ناسازگاری را با هویت مجموعه پدید آورده است (شهبازی و همکاران[3]،۲۰۲۱: ۵۷). البته نمی‌توان از ظرفیت‌های موجود این بافت نیز چشم‌پوشی نمود؛ چراکه عرصه‌های مخروبه و متروکه فراوان در میان قطعات شهری و نیز عرصه وسیع میدان قدیم در بافت تاریخی، فرصت‌های توسعه‌ای بسیاری را در اختیار قرار می‌دهد. درعین‌حال نوع مالکیت‌های محدوده بیشتر از نوع عمومی و یا دولتی بوده و تا حدودی نیز وقفی و میراثی می‌باشد. پهنه‌هایی که عمدتاً با یک ویژگی مشترک کار می‌کنند، در یک حوزه و پهنه تقسیم‌بندی گردیده‌اند؛ بنابراین با توجه به مشکلات ذکر شده در بافت تاریخی شهر کرمانشاه از یکسو و وجود ظرفیت‌ها و محرک‌های توسعه از سوی دیگر، اهمیت دارد که تبیین و تحلیل درستی از وضعیت بافت تاریخی از نظر مؤلفه‌های بازآفرینی محرک توسعه انجام شود. همسو با اهمیت ذکر شده، هدف این پژوهش شناخت مؤثرترین مؤلفه‌های بازآفرینی محرک توسعه مراکز تاریخی و روابط میان آن‌ها در راستای بهبود هسته تاریخی شهر

[1]. Gu & Zhang
[2]. Awad, J. & Jung
[3]. Shahbazi et al

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

کرمانشاه است. با توجه به هدف، سؤالات پژوهش نیز این‌گونه مطرح می‌شود که ۱-مؤلفه‌های مؤثر بر بازآفرینی مراکز تاریخی از منظر محرک‌های توسعه کدم‌اند؟ ۲- چگونه می‌توان نحوه و میزان اثرگذاری مؤلفه‌های محرک توسعه را در فرایند بازآفرینی مراکز تاریخی شهر تدقیق نمود؟ ۳- ساختار قابل‌ارائه در زمینه معیارهای بازآفرینی محرک توسعه مراکز تاریخی تا چه میزان قابلیت تعمیم و تطبیق با هسته تاریخی شهر کرمانشاه را دارد؟ بنابراین در مجموع در این پژوهش سعی شده که مؤلفه‌های مؤثر محرک توسعه در فرآیند بازآفرینی بافت تاریخی شهر کرمانشاه شناخته و مورد تحلیل از جنبه روابط، اثرگذاری و تعمیم قرار گیرد.

مبانی نظری

واژه بازآفرینی در لغت به معنای بازتولید یا ترمیم طبیعی بخشی از یک تمامیت زنده که در معرض نابودی قرار گرفته است می‌باشد (رابرتز[1]،۲۰۰۰). این اقدام می‌تواند شامل شباهت‌های ظاهری سازمان فضایی معاصر با سازمان فضایی کهن باشد (پیرحیاتی و همکاران،۱۳۹۳: ۴). در این بخش، به سه حوزه کلان راهبردها و اصول بازآفرینی، محرک‌های توسعه و نیز احیاء مراکز تاریخی (به‌عنوان متغیرهای اصلی پژوهش) به‌تفصیل پرداخته‌شده و تعاریف مفهومی لازم ارائه گردیده است.

اصول بازآفرینی شهری

ازآنجاکه بازآفرینی هرگونه حرکتی را در راه مبارزه با کهنگی و ناکارآمدی شهرها شامل می‌شود، در این راه، هر اقدامی در راستای توسعه، توسعه مجدد و ارتقاء، می‌تواند مطرح باشد (هال[2]،۲۰۰۰). بازآفرینی شهری به دنبال حل مشکلات فرسودگی شهری از طریق بهسازی و در حال اضمحلال در شهرهاست. این رویکرد تنها به دنبال باززنده‌سازی مناطق متروکه نیست، بلکه با مباحث گسترده‌تری همچون اقتصاد رقابتی و کیفیت زندگی سروکار دارد (کاپلانگو و همکاران[3]،۲۰۱۹: ۶). سیاستی جامع و در برگیرنده ابعاد کلیدی پنج‌گانه موضوعات مالی و اقتصادی، دیدگاه‌های فیزیکی و محیطی، موضوعات اجتماعی و وابسته به مردم (اشتغال، آموزش و تربیت) و مسکن است (کامرین[4]،۲۰۱۹). بازآفرینی از طریق بهبود حیات محیطی، اقتصادی و اجتماعی شهر به دست می‌آید و طیف وسیعی از فعالیت‌ها را توصیف می‌کند که زندگی جدیدی به مناطق فرسوده و کهن شهر می‌بخشند (فتح العلومی و کاشانی جو،۱۴۰۱: ۵۵). اصلی‌ترین بخش تعاریف راهبردها و اصول بازآفرینی شهری را می‌توان به گونه زیر ارائه داد شکل (۱).

[1]. Robert
[2].Hull
[3]. Capolongo et al
[4]. Camerin

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

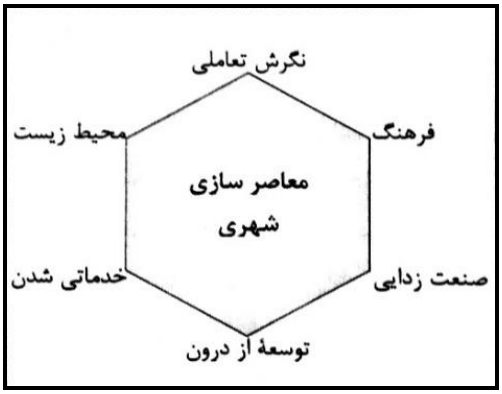

شکل (۱). راهبردها و اصول بازآفرینی شهری منبع:(لطفی،۱۳۹۰: ۸۰)

از اصلی‌ترین مؤلفه‌ها نگرش تعاملی ست که به‌عنوان عاملی مهم بیان می‌دارد توجه به حیات مدنی و مسائل اجتماعی شهرها، همچنین مبارزه با گسستگی اجتماعی و لزوم مشارکت عامه، اصلی اساسی در بازآفرینی محسوب می‌گردد (لطفی، ۱۳۹۱: ۸۲). همچنین در خصوص فرهنگ مبنا بودن، آمده است که فرهنگ سنتی در شهرهای کوچک و متوسط (به لحاظ اندازه) واجد پتانسیل‌های بسیار زیادی به‌منظور توسعه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی هستند و فرهنگ، عامل اصلی برای توسعه پایدار آن بافت‌ها محسوب می‌شود (کنیپس چایلد و زالتر[1]،۲۰۲۱: ۲). محیط‌زیست مبنا بودن نیز مؤلفه دیگری است که اشاره می‌کند یک ناحیه مخروبه و متروکه شهری، رکود و زوال کالبدی را نشان داده است. به‌عبارت‌دیگر، به‌منظور تأمین منابع بازآفرینی، فعالیت‌های بهسازی محیطی می‌بایست توجیه اقتصادی داشته باشند. به‌علاوه، ارتقاء و تقویت محیط‌زیست می‌تواند منافعی برای اجتماعات محلی و شاغلین به همراه داشته باشد (رابرتز،۱۹۹۵). همچنین در پی تهی شدن بخش‌های داخلی شهر از کارکردهای قبلی خود مشخص گردید که صنعت و فعالیت‌های وابسته به آن، دیگر جایی در ساختار کالبدی شهرها نمی‌توانند داشته باشند و باید به نقاط دیگر منتقل شوند (لطفی، ۱۳۹۱: ۸۳). از این مؤلفه تحت عنوان صنعت زدایی یاد می‌گردد. خدماتی شدن دیگر معیار اثرگذار در راهبردهای بازآفرینی محسوب گردیده که در این خصوص باید بیان نمود، هم‌زمان با حذف صنعت، نوع سوم اقتصاد متکی بر فعالیت‌های خدماتی، رشد چشمگیری پیدا می‌کند تا آنجا که طی کمتر از یک دهه، اصلی‌ترین نوع از فعالیت‌های شهری را شامل می‌گردد. دراین‌ارتباط فرآیند خدماتی شدن به‌عنوان مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده به شهرها نام برده می‌شود (بورگل[2]،۲۰۰۰). توسعه از درون نیز معیار بسیار اثرگذاری است که با به‌کارگیری واژه زمین‌های قهوه‌ای به معنای زمین درون شهرها که قبلاً موضوع ساخت‌وسازهایی بوده‌اند (کاوان[3]،۲۰۰۵: ۳). در مخالفت با پاشیدگی شهری و کشیده شدن نامتناسب شهر در دل زمین‌های بکر و طبیعی پیرامون یا زمین‌های سبز پدید آمد (رجستر[4]،۲۰۰۲).

[1] Knippschild & Zollter.
[2].Burgel
[3]. Cowan
[4]. Register

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

محرک توسعه (مفهوم و چگونگی کارکرد)

محرک توسعه، معادل کلمه کاتالیست است و در واقع «هدف اصلی پروژه‌های محرک، خلق توسعه‌ای است که فراتر از عرصه خودش بوده، به‌عنوان یک تبلیغ بزرگ برای محدوده، پیام ضمنی آن، مکانی جذاب برای سرمایه‌گذاری‌ها می‌باشد»(اسمیس[1]،۱۹۹۴: ۲۰). همچنین در فرهنگ لغت آکسفورد، کاتالیزور به معنای چیزی است که موجب افزایش سرعت یا تغییری گردد، بدون این‌که خودش تغییری کند (مک آرتور و همکاران[2]، ۲۰۱۸). محرک توسعه با توجه به ویژگی‌ها و مشخصات خود ممکن است در فرایند احیای بافت تاریخی تأثیر مثبت یا منفی داشته باشند. استفاده از آن می‌تواند همچون اسفنجی فعالیت‌ها و منابع را جذب کند و مناطق اطراف را محروم نماید. یک محرک توسعه منفی به همان اندازه یک کاتالیزور مثبت احتمال وقوع دارد (پندار، ۱۳۹۹: ۷۷). در دوره‌های متأخر که استفاده از آن را در قالب اجرای پروژه‌های فرهنگی- هنری و رویداد محوری و برنامه‌های گذران اوقات فراغت (ایزدی، ۱۳۸۹)، دنبال نموده‌اند، به‌قدری مورد تأکید بوده که اجماع میان تصمیم گیران و سیاست‌گذاران وجود داشته که «یک شهر بدون محرک توسعه، بازآفرینی را تجربه نخواهد کرد»(اوتول و یوشر[3]،۱۹۹۲: ۲۲۱). بر اساس مفهوم توسعه، محرک توسعه در وضعیت صفر، به‌منظور شکل‌گیری سکونتگاه در یک حوزه خالی، در حالت طراحی میان افزا به‌منظور تغییر وضعیت حاکم و ارتقاء آن و در حالت سوم با قرار دادن عنصری که قبلاً در بافت موردنظر نبوده است باعث تغییر وضعیت حاکم و ارتقاء آن می‌شود (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۹، ۵۲)، شکل (۲). پروژه‌های محرک توسعه شهری در دو گروه مطابق با دوام پروژه به‌عنوان پروژه‌های دائمی و موقتی تقسیم‌بندی می‌شوند. عنصر دائمی، ساختمان‌ها و ساخت‌وسازها هستند و عنصر موقت به معنای فعالیت‌ها و یا استفاده خاص در یک زمان مشخص است. موارد موقتی نیز موارد سنتی و رویدادهایی هستند که به شکل سالیانه برگزار می‌شوند مانند رویدادهای تجاری، هنر، موسیقی و غیره (کانگسومبت[4]، ۲۰۱۰).

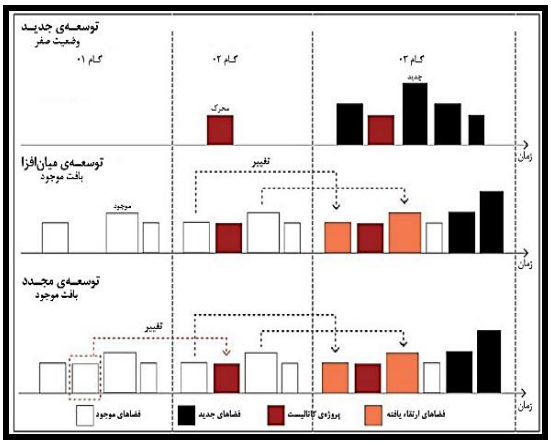

شکل (۲). انواع توسعه در قالب تحریک توسعه (تملوا[5]،۲۰۰۷: ۵۶).

1.Ismis
2.Macartur et al
3.Otool and Usher
4. Kongsombat
5. Temelova

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

احیاء مراکز تاریخی

مرکز شهر را می‌توان ناحیه کانونی و مرکزی شهر تعریف کرد که بستر وقوع، شکل‌گیری و تجمع مهم‌ترین فعالیت‌های شهری، خاطرات جمعی و تجلی‌گاه حضور اجتماعی تمام مردم شهر بود. درعین‌حال بخش عمده‌ای از تعاملات اداری و اقتصادی شهر را در خود جای داده است (قره بگلو و همکاران، ۱۳۹۶: ۵). از اصلی‌ترین معیارهای مؤثر در احیاء مراکز تاریخی، قابلیت دسترسی است که از دغدغه‌های طرح‌های توسعه‌ای در مراکز شهری بوده و بر اساس آن، لازم است قطعات از دسترسی مناسبی برخوردار باشند (فرشچین و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۳). از دیگر معیارها تنوع کاربری است که به معنای توسعه مختلط کاربری‌های شهری به‌عنوان رویکرد جدیدی در چیدمان و ارتباط مکانی کاربری‌هاست (سانگ و کناپ[1]،۲۰۰۴). دیگر مؤلفه مهم، تشویق فشردگی است. این مؤلفه بدان معناست که توسعه‌های جدید اگر نتوانند بین مرکز سنتی شهر و توسعه‌های جدید به‌صورت پیاده تردد نمایند، تأثیرات سوئی بر مرکز شهر وارد می‌گردد؛ بنابراین برای بهبود فعالیت پیاده، محدوده مرکزی شهر باید فشرده بوده و حجم بالایی از فعالیت‌های با قابلیت دسترسی آسان پیاده را به بار نشاند (پامیر، ۱۳۹۲: ۲۶). ایجاد تراکم توسعه دیگر معیاری است که بیان می‌دارد پویایی و احساس زنده بودن شهر در گرو مراکز شهری پیچیده، متراکم و پرازدحام بوده و آثار مثبت اقتصادی- اجتماعی و روانی- عاطفی دارد (حبیبی و بهنامی فرد، ۱۳۹۶: ۱۳۹). مؤلفه مهم دیگر توازن فعالیت‌هاست که به معنای توجه به ساختارهای حرکت و دسترسی اندام‌وار و فضاهای شهری سرزنده با عملکردهای متنوع (وحبی و هاسکارا،۲۰۰۹) می‌باشد. امروزه با توجه به تعداد زنان و مردان استفاده‌کننده و تنوع ویژگی‌های افرادی که در این فضا فعالیت می‌کنند، موفقیت فضا ارزیابی و بررسی می‌شود (حاجی احمدی همدانی و همکاران، ۱۳۹۴). آفرینش پیوندهای عملکردی با این مفهوم که ارتباطات یکپارچه باید بتوانند فعالیت‌های مرکز شهر را به یکدیگر مرتبط کرده و مرکز شهر را به همسایگی‌های مجاورشان متصل نمایند (پامیر،۱۳۹۲: ۳۱). دیگر معیار اصلی در احیاء مراکز تاریخی می‌باشد. آخرین معیار نیز ایجاد سامانه هویتی مثبت است که بیان می‌دارد برای جذب مردم به فضای اجتماعی محله باید شاخص‌های امنیتی، دسترسی، پیاده‌روی، نظارت و انجام مراسم جمعی و آئینی در فضای شهری وجود داشته باشد (غراب ۱۳۹۰: ۶۶).

بنابراین توسعه بی‌رویه شهر، تغییرات ساختار اقتصادی-اجتماعی، عدم تطبیق و همخوانی بافت‌های مجاور و بی‌توجهی مدیریت شهری به مناطق تاریخی از یک‌سو و فرصت توسعه و سرمایه‌گذاری مناسب در پیرامون شهر از سوی دیگر، باعث افت کیفیت زندگی در این محلات و کنار گذاشته شدن آن‌ها از فرآیند توسعه شهری شده است. در مقابل، بازگشت به اصل توسعه درون‌زا و حیات‌بخشی مجدد به فضاهای شهری ازدست‌رفته با ایجاد جذابیت در بافت‌های تاریخی، می‌تواند محرکی برای توسعه آن‌ها باشد (فتح العلومی و کاشانی جو،۱۴۰۱: ۵۳).

[1]. Song & knaap

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

بازآفرینی، هرگونه حرکتی را در راه مبارزه با کهنگی و ناکارآمدی شهرها شامل شده و هدف از بازآفرینی نیز، رسیدن به پیشرفت‌ها و توسعه پایدار در زمینه‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی محدوده‌های شهری، اعم از بافت قدیمی و جدید است (لطفی، ۱۳۹۱: ۲۴۴). در یک بررسی مختصر از سیر تاریخی بازآفرینی می‌توان بیان نمود که بازآفرینی شهری از اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ در کشورهای پیشرفته از جمله هلند و آمریکا مطرح شد و در بهسازی محله‌های فرسوده و ارتقای کیفیت سکونت در آن‌ها مورداستفاده قرار گرفته است (آریانا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۵). این رویکرد به دنبال عدم موفقیت اجرای برنامه‌های صرفاً کالبدی– فضایی اتخاذ شد ازاین‌رو در اقدامات اخیر بازآفرینی شهری در اروپا، برنامه ریزان شهری بر روی مفهوم شهر انسانی متمرکز شده‌اند (کوتزه و دیورایس[1]،۲۰۱۹). در همین باب می‌توان به نظر رابرتز ۱ اشاره نمود که باید هر الگوی تجدید حیات شهری منطبق بر مجموعه شرایط زمینه و مکانی باشد که موضوع اقدام قرار گرفته است (رابرتز،۲۰۰۰). در این راستا دهه ۱۹۵۰ را سیاست بازسازی و تأکید بر ترمیم خرابی‌ها، دهه ۱۹۶۰ میلادی را سیاست احیاء و توجه به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، دهه ۱۹۷۰ را نوسازی پهنه‌های ویژه و دهه ۱۹۹۰ را بازآفرینی در چارچوب توسعه همه‌جانبه می‌داند. در بررسی مطالعات صورت گرفته در خصوص نحوه عمل بازآفرینی در بافت‌های تاریخی، نوها ناصر[2] به ارائه معیارها و شاخص‌های فرهنگ مدار در حفاظت بافت‌های تاریخی مبتنی بر توسعه پایدار برای حضور گردشگران و سرزندگی اقتصادی در این مکان‌ها پرداخته است (ناصر،۲۰۰۳). استابس[3]، به سه بعد اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و عمومی پرداخته و معیارهای موردنظر را در خصوص پایداری بازآفرینی در این سه حوزه مطرح ساخته ااست (ستابس،۲۰۰۴). وحبی و اسکارا[4] نیز به‌صورت فرایند محور در سه بعد کالبدی، عملکردی و موقعیتی و متناسب با پایداری، معیارها را دسته‌بندی کرده‌اند (وحبی و اسکارا،۲۰۰۹). کلنتیو و دیکسون[5] نیز با تأکید بر مشارکت اجتماعات محلی، مکان‌های پایدار را نقطه ثقل بازآفرینی پایدار دانسته‌اند (کلنتیو و دیکسون،۲۰۱۱). همچنین اوزگور کرکماز[6] بیان می‌دارد که تنها رویکرد کالبدی نمی‌تواند معضلات را مدیریت نموده، بلکه ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را مد نظر قرارداده است (کرکماز، ۱۳۹۳). فورلن و فاگین[7] نیز با مطرح سازی ایده جوامع پویا، بازآفرینی را در جهت مقابله با پراکندگی مطرح کرده‌اند (فرولن و فاگین،۲۰۱۷). همچنین باید دانست تمام طرح‌های بازآفرینی شهری در نهایت اهداف مشابهی در راستای ارتقای محیطزیست و وضعیت اقتصادی و اجتماعی در مناطق موردنیاز برای مداخله دارند (دین و تریلو[2]،۲۰۱۹: ۷). در این راستا بازآفرینی شهری به‌عنوان یک رویکرد مناسب به‌منظور ارتقای ارزش زمین و بهبود کیفیت محیطزیست، اصلاح مشکل افت شهری و تحقق اهداف مختلف اجتماعی و اقتصادی (آقایی زاده و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۴۹) و نیز دست‌یابی به شبکه‌های اجتماعی موجود، بهبود وضعیت گروه‌های آسیب‌پذیر و بهبود اثرات نامطلوب در محیط زندگی، محسوب می‌شود (روایج اسبرگ و همکاران[3]،۲۰۱۹: ۱۵۶). در خصوص چگونگی اقدامات بازآفرینی نیز باید بیان نمود بر مبنای نظر

[1]. Kotze & deVries
[2]. Dean & Trillo
[3]. Ruijsbroek et al

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

سایدریس و گروداچ، رشد اقتصادی درونی بافت تاریخی از طریق گردشگری، بهبود تصویر شهرها و سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی، می‌تواند ضامن بازآفرینی موفق باشد (گروداچ و سایدریس[1]،۲۰۰۷: ۳۵۴).
در فرآیند بازآفرینی بر اساس دیدگاه‌های متأخر، اصولاً چرخش حرکت در توسعه مجدد و بازآفرینی شهرها از رویکردهای کالبدی و گاه صرفاً اقتصادی به‌سوی نگرش‌های یکپارچه و با تأکید بر ویژگی‌های فرهنگی–اجتماعی، سرزندگی و رونق اقتصادی و مقوله کیفیت ارتقاءیافته عرصه‌های عمومی به بلوغ خود می‌رسد (بحرینی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۲). در این راستا استفاده از محرک‌های توسعه در فرایند بازآفرینی، در دهه ۱۹۷۰ میلادی در آمریکا و دهه ۱۹۸۰ میلادی در اروپا، به‌عنوان سیاستی برای تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی و هدایت آن به سمت بازآفرینی محلات روبه‌زوال شهری، مطرح شدند (تمولوا[2]،۲۰۰۷: ۱۷۹). همچنین توسعه‌های محرک که به‌عنوان بخش مهمی از نیروی تجاری محسوب می‌شدند برای تشویق پیشگامی بخش خصوصی در بازآفرینی مبتنی بر املاک مطرح گردیدند (اسمیس[3]،۱۹۹۴: ۱۸). مفسران این دوره را به دلیل آنکه فعالیت‌های ساخت‌وساز، محور سیاست توسعه مرکز شهر شد، دوره نوسازی مبتنی بر املاک و مستغلات نام‌گذاری کردند (امری و توماس[4]،۱۹۹۹: ۵۱). در این زمان این اجماع در میان تصمیم گیران و سیاست‌گذاران وجود داشت که یک شهر بدون پردازه محرک توسعه، بازآفرینی شهری را تجربه نخواهد کرد (اوتولز و یوشر[5]، ۱۹۹۲: ۲۲۱). همچنین بوریگارد و هولکام[9] نیز بیان می‌کنند که تلاش‌های بازآفرینی شهری شباهت‌های اساسی با هم دارند اما همچنان از شهری به شهر دیگر در پاسخگویی به واقعیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تاریخی، تفاوت‌های زیادی نیز مشهود است (بوریگارد و هولکام[6]،۱۹۸۱: ۱۷). باید دانست بازآفرینی لزوماً در عمل پیامدهای مثبتی را در پی ندارد. درصورتی‌که بازآفرینی جابه‌جایی ساکنان بومی را سبب شود، تغییر مفهوم و رویه داده و ممکن است اعیان سازی محدوده را موجب شود که می‌تواند تبعات منفی بسیاری را برای بافت اجتماعی در پی داشته باشد (پورتر و شاو، ۱۳۹۲: ۲۴۰). شاهینی فر و دیگران (۱۳۹۹) نیز به نقش مهم مشارکت در بازآفرینی بافت‌های تاریخی اشاره دارند. سلیمی و دیگران (۱۳۹۸) نیز نشان دادند که ضعف همبستگی بین اجتماع و کالبد، موجب فرسودگی ساختار اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بافت تاریخی شده است. تقوی و همکاران (۱۳۹۹) نخستین گام در بازآفرینی بافت‌های فرسوده و تاریخی را اصلاح شاخص‌های بعد کالبدی می‌دانند. آلپوپی و مانول[7] (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان بازآفرینی یکپارچه شهری راه‌حل برای احیای شهرها نشان می‌دهد که بازآفرینی یکپارچه شهری در چندین کشور اروپایی تنها راه‌حل ممکن می‌باشد. فریتتی و گراسو[8] (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان طراحی استراتژی‌های موفق بازآفرینی شهری به بررسی ایجاد یک چارچوب الگویی که قادر به پشتیبانی از برنامه‌ریزی مشترک و فرآیندهای تصمیم‌گیری

1. Grodach & Sideris
2. Temolva
3. Smyth
4. Immrie & Thomas
5. O`Tool & Usher
6. Beauregard & Holcomb
7. Alpopi and Manole
8. Ferretti & Grosso

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

مربوط به تحولات بازآفرینی شهری می‌پردازد. کورکماز و بالابان[1] (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان بازآفرینی شهری در ترکیه، با ارزیابی عملکرد پروژه احیاء شهری آنکارای شمالی، بیان می‌کند نقش پروژه در پایداری شهری بسیار محدود و حداقل بوده و تنها از طریق چهار جنبه ارائه خدمات محلی، افزایش اشتغال در محدوده پروژه، حداکثر بهره‌وری انرژی، افزایش تأمین فضای سبز، به پایداری شهری کمک کرده است. فتاحی زاده و همکاران (۲۰۲۱) نیز اشاره دارند که نبود نگاه یکپارچه باعث شده که بسیاری از مؤلفه‌های فرسودگی و زوال شهری بر طرح‌ها و اقدامات بازآفرینی سایه افکنده است. در مجموع می‌توان بیان داشت که حفظ منافع عمومی در پروژه‌های محرک توسعه به دلیل تضاد منافع میان مردم و سرمایه‌گذاران در جنبه‌های خاصی از اقدامات می‌تواند بسیار حساس بوده و کلیت بازآفرینی در قالب محرک‌های توسعه را به انحراف کشانده یا از اهداف اصلی و اساسی دور سازد. پژوهش حاضر با توجه به پژوهش‌های ذکر شده، سعی در استخراج اصلی‌ترین مشترکات موردتوافق همه دیدگاه‌ها در مورد مؤلفه‌های محرک‌های توسعه و چگونگی نقش انگیزی آنان در فرایند بازآفرینی محرک توسعه مراکز تاریخی بوده است.

مدل مفهومی

برای دستیابی به چارچوب مفهومی پژوهش، در قالب فرایند تحقیقی مدون، با در نظر گرفتن سه مفهوم کلی بازآفرینی شهری، مراکز تاریخی و محرک‌های توسعه و بر مبنای تحلیل محتوای متون، ساختاری پیشنهاد شده است که بتواند روابط کلان و سطوح ارتباطاتی معیارهای کسب‌شده را توضیح دهد. در سطح یک، عوامل بنیادین که بر سایر معیارها اثرگذارند بررسی‌شده و در سطح دوم ساختارهای کلان و معیارهای کارکردی کسب‌شده، مورد ارزیابی قرار گرفته و مهم تلقی شده است. همچنین در سطح سوم دستاوردهای ناشی از بازآفرینی محرک توسعه مراکز تاریخی مطرح گردیده و اثرپذیری آنان موردبررسی قرار گرفته است. این چارچوب، تفسیری – ساختاری است و علاوه بر شناخت و تفسیر معیارها، روابط میان آنان را نیز ساختار می‌بخشد شکل (۳). چگونگی ساخت این مدل در ادامه و در بخش نتایج روش تحقیق توضیح داده شده است.

[1]. Korkmaz & Balaban

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

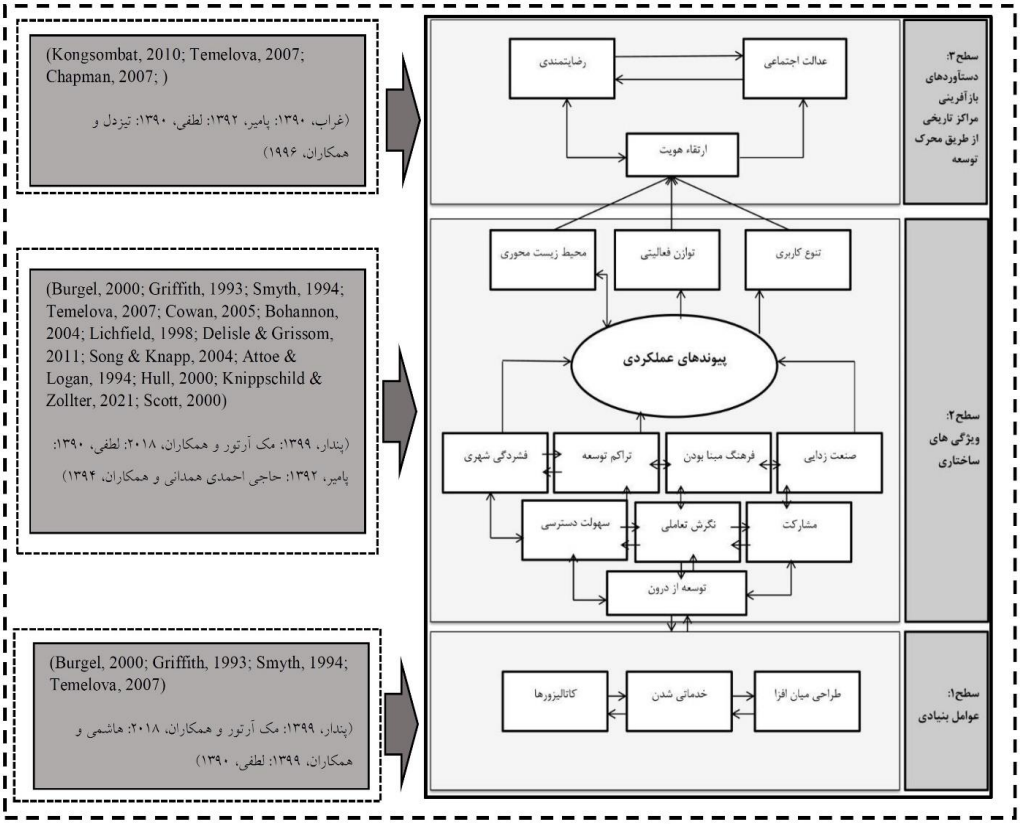

شکل (۳). مدل مفهومی بازآفرینی مراکز تاریخی از منظر محرک‌های توسعه شهری

روش تحقیق

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر کرمانشاه به‌عنوان مرکز استان، نهمین شهر پرجمعیت و یکی از کلان‌شهرهای ایران است. جمعیت شهر کرمانشاه در سرشماری سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۹۴۶۶۵۱ نفر بوده و مساحت آن ۹۳۳۸۹۹۵۶ مترمربع است. کرمانشاه مهم‌ترین شهر در منطقه مرکزی غرب ایران است و علاوه بر این بزرگ‌ترین شهر کردنشین ایران نیز محسوب می‌گردد شکل (۴). این شهر دارای جاذبه‌های گردشگری و تاریخی متنوعی از جمله طاق‌بستان، پارک کوهستان، تکیه معاون الملک، مسجد جامع شافعی، بازار قدیمی و بافت تاریخی است. بافت تاریخی این شهر به‌واسطه تحولات مختلف در دوره‌های تاریخی یکی از بهترین جاذبه‌های این شهر محسوب می‌شود. هسته تاریخی این شهر با وجود آنکه در دوره‌های مختلف تغییرات زیادی به خود دیده است اما آنچه امروز برجای‌مانده است مربوط به دوره صفویه است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

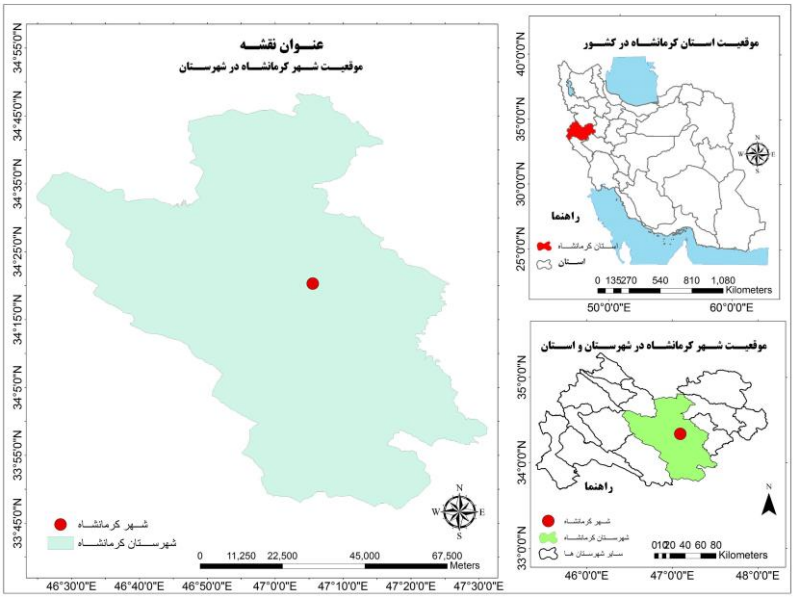

شکل (۴). موقعیت جغرافیایی شهر کرمانشاه

هسته تاریخی بافت قدیم کرمانشاه عموماً ریشه‌ای صفوی داشته و در دوران شکوفایی شهر در دوره قاجاریه، نقش کارکردی مؤثری به لحاظ جنبه‌های عمومی بودن و عملکردی ایفا نموده است. این هسته تاریخی در محله توپخانه (ارگ حکومتی) واقع گردیده و به‌عنوان قدیمی‌ترین مرکز تاریخی شهر شناخته‌شده و این بخش را با عنوان میدان سربازخانه و چهارباغ شهری کرمانشاه نیز می‌شناسند شکل (۵). در این زمینه، مرکز تاریخی شهر به‌عنوان مرکز کلیه تجمعات سیاسی، اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی و نظامی نیز محسوب شده است (سلطانی، ۱۳۷۳).

شکل (۵). نقشه محدوده بافت در دوره قاجاریه شهر کرمانشاه (برومندسرخابی،1388: ۱۶۸)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

داده و روش کار

پژوهش حاضر از نظر نوع (هدف)، توسعه‌ای- کاربردی بوده و از منظر روش (ماهیت) به‌صورت هم‌زمان از دو روش توصیفی- تحلیلی بهره برده و از روش ترکیبی (کیفی و کمی) استفاده نموده است. نوع تحقیق در بخش شناسایی و مرور تحلیلی دیدگاه‌های بازآفرینی مراکز تاریخی و انواع توسعه شهری و محرک‌های آن، نظری بوده و در بخش نحوه تدقیق و تطبیق مؤلفه‌های مدل چارچوب نظری با شرایط بافت تاریخی شهر کرمانشاه، کاربردی است. در این راستا از شیوه تفسیری- ساختاری جهت شناسایی و ساختاربخشی مؤلفه‌ها استفاده گردیده است؛ زیرا ایده اصلی مدل‌سازی تفسیری- ساختاری، تجزیه یک سیستم پیچیده و چند زیرسیستم، با استفاده از تجربه عملی و دانش خبرگان جهت ساختن یک مدل ساختاری چند سطحی است. همچنین علت انتخاب مدل فوق، ابهام و چنددستگی در خصوص معیارهای گسترده ایست که بر فرایند بازآفرینی مراکز تاریخی از منظر محرک‌های توسعه اثرگذارند. همچنین به‌منظور اعتبارسنجی و تطبیق معیارهای چارچوب نظری بر بافت موردمطالعه، طراحی مجدد پرسش‌نامه و نظرسنجی از خبرگان مسلط بر بافت شهر کرمانشاه، صورت پذیرفته و نتایج در قالب دو درخت تصمیم‌گیری، وزن دهی و رتبه اهمیت مؤلفه‌ها استحصال گردید.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از راهبرد مورد کاوی و در دو مرحله به انجام رسیده است. ابتدا به‌صورت توصیفی– تحلیلی و از طریق مطالعات اسنادی (کتابخانه‌ای) و بهره‌گیری از تکنیک دلفی و پرسش‌نامه‌هایی با سؤالات بسته به‌صورت محقق ساخت، مؤلفه‌های مؤثر شناسایی شده و به کمک مدل تفسیری- ساختاری، چارچوب نظری پژوهش ترسیم گردیده است. در واقع به کمک مدل تفسیری- ساختاری، روابط میان معیارها در هشت لایه و سه سطح (بنیادین، ساختاری، دستاوردها) در قالب چارچوب نظری، تنظیم گردیده است. روش نمونه‌گیری در اینجا روش دلفی بوده و معیارهای انتخاب خبرگان، تسلط نظری، تجربه عملی، تمایل و توانایی مشارکت در پژوهش و دسترسی است. تعداد خبرگان شرکت‌کننده، معمولاً بین ۲۰-۱۴ نفر انتخاب شده است (فیسال و همکاران[1]،۲۰۰۶). در این راستا جامعه آماری با در نظر گرفتن معیارهای یاد شده، ۱۵ نفر از خبرگان و متخصصین شهری در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در دسترس بوده که به‌صورت هدفمند انتخاب گردیدند. به‌منظور تعیین پایایی پرسش‌نامه، ازآنجاکه از طیف لیکرت استفاده شده، لذا از روش آلفای کرونباخ استفاده شده و خروجی محاسبات توسط نرم‌افزار SPSS، مقدار ۰/۷۶ را نشان داده که نشانه قابل‌قبول بودن میزان پایایی است. برای بررسی کمی روایی محتوا و جهت اطمینان از این‌که مهم‌ترین و صحیح‌ترین محتوا انتخاب شده است، نسبت روایی محتوا و برای اطمینان از این‌که سؤالات ابزار به بهترین نحو جهت اندازه‌گیری محتوا طراحی شده، از شاخص روایی محتوا استفاده شد که اعداد بالاتر از ۰/49 برای نسبت روایی محتوا موردقبول واقع شد. سپس بر اساس شاخص روایی محتوا، درصد قابل‌قبول، نمره بالاتر از ۰/۷۹ بود که بر این اساس لیست نهایی مؤلفه‌ها تدوین گردید. برای تعیین کمی روایی صوری نیز از فرمول نمره تأثیر برای هر سؤال استفاده گردید. فقط سؤالاتی از لحاظ روایی صوری قابل‌قبول هستند که نمره آنان بالاتر از ۱/۵ باشد (سیف، ۱۳۷۵). نتایج بر تأیید روایی صوری مرتبط با گویه‌های پرسش‌نامه دلالت نمود. در ادامه به‌منظور اعتبار سنجی مؤلفه‌ها در ارتباط با بافت تاریخی کرمانشاه، مجدداً نظرات خبرگان مسلط بر بافت تاریخی، تطبیق داده شده و خروجی

1. Faisal et al

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

پرسش‌نامه‌ها به‌صورت نظام رتبه‌بندی، به کمک نرم‌افزار رپید ماینر، در قالب دو درخت تصمیم‌گیری، ترسیم و به رتبه‌بندی مؤلفه‌ها منجر گردید.

نتایج

سازمان فضایی و عناصر شاخص تاریخی

با توجه به مطالعات صورت گرفته مشاهده می‌شود که تقریباً نسبت متعادلی میان توده و فضای شهری وجود داشته و حجم بالای زمین‌های خالی و توسعه‌نیافته در نقشه قابل‌مشاهده است شکل (۶). همچنین سعی بر آن بوده است تا سازمان فضایی محدوده از نظر امکان‌سنجی فضاهای باز، خالی و متروکه به‌منظور برنامه‌های بازآفرینی بررسی شود. محدوده غیرمسکونی با کاربری‌هایی که عمدتاً در حریم میراث فرهنگی به علت مجاورت با بازار قدیم قرار دارند در بخش یک، محدوده مسکونی با لبه تجاری، در بخش دوم، محدوده خدماتی-تجاری، در بخش سوم، محدوده ورزشی در بخش چهارم و محدوده عمدتاً مسکونی در بخش پنجم قرار دارند شکل (۶). همچنین از نظر عملکردی، عمده محدوده‌ها، دارای کارکرد مذهبی‌اند. مسجد جامع شیعیان در شرق، مسجد شافعی در جنوب، مسجد شازده، مسجد آل آقا و همچنین کلیسای قلب مقدس مسیح و کنیسه یهودیان از نشانه‌های عمده‌ای هستند که کارکرد مذهبی دارند. همچنین جمخانه‌ی اهل حق و خانه سوری، کلیتی منحصربه‌فرد از نظر هم‌نشینی مسالمت‌آمیز فرهنگی و مذهبی در محدوده تاریخی پدید آورده است.

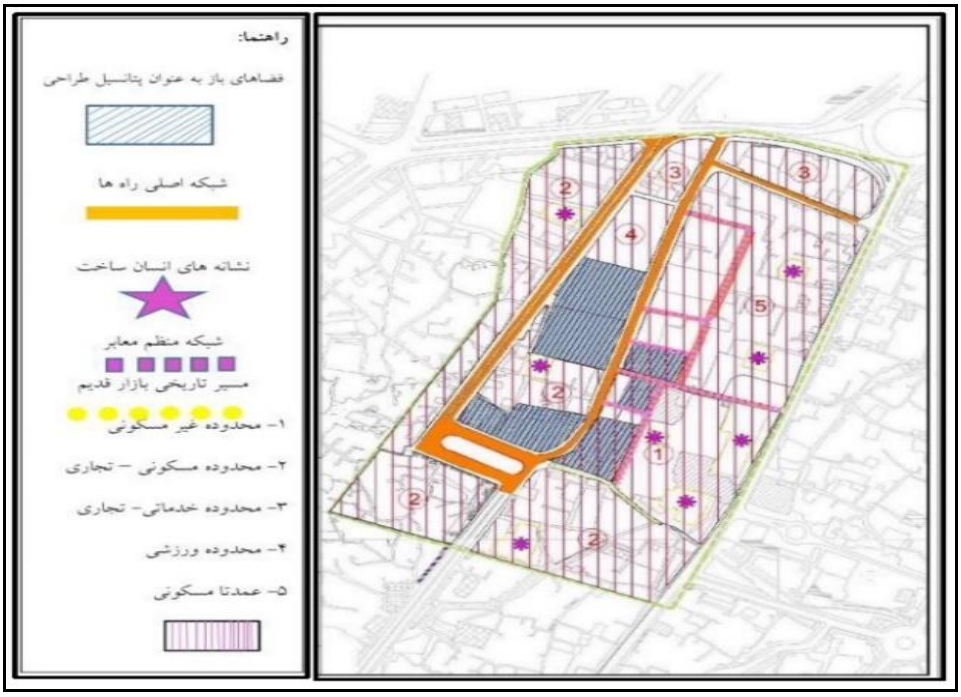

شکل (۶). سازمان فضایی هسته مرکزی بافت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

منظر بافت تاریخی و فعالیت‌های وابسته

بررسی نشان می‌دهد از هسته تاریخی به سمت کوه پرآو (شمال شهر)، چشم‌انداز طبیعی ارزشمند و نیز به سمت جنوب، دید و منظر انسان‌ساخت ارزشمند (مسجد تاریخی شافعی) وجود دارد. همچنین به مسجد جامع شیعیان در شرق، دید و منظر مصنوع ارزشمند وجود دارد. تحلیل‌ها نشان می‌دهد مظاهر کالبدی مکان، زمینه هویتمندی را فراهم نموده است شکل (۷). سطح عملکردها و کاربری‌ها در حد کاربری‌های اداری، نظامی، ورزشی و تجاری خرد، تقلیل یافته و ترکیب نامتوازن و ناسازگاری را با هویت مجموعه پدید آورده است. همچنین عرصه‌های مخروبه و متروکه فراوان در میان قطعات شهری و نیز عرصه وسیع میدان سربازخانه قدیم فرصت‌های توسعه‌ای بسیاری را در اختیار قرار می‌دهد. درعین‌حال نوع مالکیت‌های محدوده بیشتر از نوع عمومی و یا دولتی بوده و تا حدودی نیز وقفی و میراثی می‌باشد. پهنه‌هایی که عمدتاً با یک ویژگی مشترک کار می‌کنند در یک حوزه و پهنه تقسیم‌بندی گردیده‌اند.

شکل (۷). دید و منظر طبیعی و مصنوع هسته مرکزی بافت

پهنه‌ها نیز به حریم میراث فرهنگی، غالباً مسکونی، خدماتی- تجاری، مسکونی، تجاری و ورزشی تقسیم‌بندی شده‌اند. به‌طورکلی محدوده موردنظر از نظر کالبدی دارای اغتشاشات بصری و فرسودگی می‌باشد شکل (۸).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

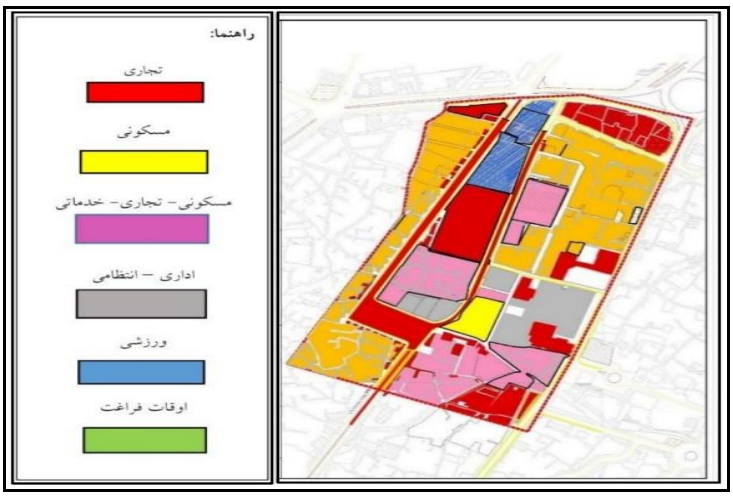

شکل (۸). فعالیت‌های غالب هسته مرکزی بافت

مدل تفسیری – ساختاری به روش ISM[1]

همان‌گونه که اشاره گردید استخراج کلیه مؤلفه‌های مستخرج از مطالعات به ۲۴ مؤلفه منجر گردید که به روش دلفی معیارها، سنجیده شده و معیارها با میانگین بالاتر در قالب ۱۸ مؤلفه لیست گردیده‌اند جدول (۱). ایده اصلی مدل‌سازی ساختاری- تفسیری، تجزیه یک سیستم پیچیده و چند زیرسیستم، با استفاده از تجربه عملی و دانش خبرگان جهت ساختن یک مدل ساختاری چند سطحی است. بر اساس این مدل‌سازی، ابتدا ماتریس خود تعاملی تشکیل شد. در این ماتریس ارتباط دو به دو میان مؤلفه‌ها بررسی می‌شود. از متخصصین خواسته شد با استفاده از چهار حالت مفهومی ذیل نحوه اثرگذاری را تعیین نمایند.

جدول (۱). ماتریس خودتعاملی ساختاری معیارها

C18	C17	C16	C15	C14	C13	C12	C11	C10	C9	C8	C7	C6	C5	C4	C3	C2	C1	j	i
X	X	V	V	O	V	V	V	O	V	V	V	X	V	V	V	X	-	خدماتی شدن	C1
O	A	O	O	X	X	O	X	O	V	X	V	O	X	V	O	-		فرهنگ مبنا بودن	C2
A	O	A	A	X	O	X	A	A	V	A	V	A	X	X	-			محیط زیست محور بودن	C3
O	V	V	V	V	A	V	A	V	V	O	V	V	O	-				صنعت زدایی	C4
X	V	O	O	X	V	V	A	O	X	X	X	V	-					نگرش تعاملی	C5
V	V	X	X	V	V	X	X	X	V	A	V	-						توسعه از درون	C6
A	A	A	A	X	A	A	A	A	V	V	-							رضایتمندی	C7
O	O	V	V	X	O	V	X	X	X	-								مشارکت	C8
A	A	A	A	O	A	A	A	A	-									عدالت اجتماعی	C9
V	V	X	X	V	V	V	X	-										طراحی میان افزا	C10
V	V	V	V	V	V	V	-											کاتالیزورها	C11
X	V	A	A	V	V	-												پیوندهای عملکردی	C12
A	X	A	A	V	-													توازن فعالیتی	C13
A	O	A	O	-														ارتقاء هویت	C14
A	V	X	-															فشردگی شهری	C15
A	V	-																تراکم توسعه	C16
X	-																	تنوع کاربری	C17
-																		سهولت دسترسی	C18

1 Interpretive Structure Modeling

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

در مرحله بعد ماتریس دسترسی ساخته شد. ماتریس دسترسی (RM)، یک ماتریس دو ارزشی صفر و یک است. بر اساس این ماتریس می‌توان بیان داشت که نوع ارتباط میان مؤلفه‌های اثرگذار علاوه بر رابطه دودویی میان آن‌ها، به رابطه ثانویه میان آنان نیز منجر می‌گردد. به‌طور مثال چنانچه مؤلفه کاتالیزورها با مؤلفه پیوندهای عملکردی در ارتباط بوده و منجر به آن شود و سپس مؤلفه پیوندهای عملکردی با تنوع کاربری در ارتباط باشد، مؤلفه کاتالیزور نیز با تنوع کاربری در ارتباط بوده و نتایج اثرگذاری آن قابل‌تحلیل است. بدین منظور ماتریس دسترسی اولیه بر اساس نوع روابط میان مؤلفه‌ها تشکیل گردیده است جدول (۲).

جدول (۲). ماتریس دسترسی معیارها

نفوذ	C18	C17	C16	C15	C14	C13	C12	C11	C10	C9	C8	C7	C6	C5	C4	C3	C2	C1	J / I
15	1	1	1	1	0	1	1	1	0	1	1	1	1	1	1	1	1		C1
9	0	0	0	0	1	1	0	1	0	1	1	1	0	1	1	0		1	C2
6	0	0	0	0	1	0	1	0	0	1	0	1	0	1	1		0	0	C3
10	0	1	1	1	1	0	1	0	1	1	0	1	1	0		1	0	0	C4
11	1	1	0	0	1	1	1	0	0	1	1	1	1		0	1	1	0	C5
12	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	1		0	0	1	0	1	C6
4	0	0	0	0	1	0	0	0	0	1	1		0	1	0	0	0	0	C7
11	0	0	1	1	1	0	1	1	1	1		0	1	1	0	1	1	0	C8
2	0	0	0	0	0	0	0	0	0		1	0	0	1	0	0	0	0	C9
13	1	1	1	1	1	1	1	1		1	1	1	1	0	0	1	0	0	C10
16	1	1	1	1	1	1	1		1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	C11
8	1	1	0	0	1	1		0	0	1	0	1	1	0	0	1	0	0	C12
6	0	1	0	0	1		0	0	0	1	0	1	0	0	1	0	1	0	C13
5	0	0	0	0		0	0	0	0	0	1	1	0	1	0	1	1	0	C14
9	0	1	1		0	1	1	0	1	1	0	1	1	0	0	1	0	0	C15
9	0	1		1	1	1	1	0	1	0	0	1	1	0	0	1	0	0	C16
6	1		0	0	0	1	0	0	0	1	0	1	0	0	0	0	1	1	C17
11		1	1	1	1	1	1	0	0	1	0	1	0	1	0	1	0	1	C18
	7	11	8	8	13	11	11	5	6	15	8	15	9	9	5	12	7	4	وابستگی

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، مؤلفه‌های کاتالیزورهای شهری (انواع)، خدماتی شدن، طراحی میان افزای قطعات و توسعه از درون دارای بیشترین و بالاترین قدرت نفوذ و مؤلفه‌های (شاخص) رضایتمندی، عدالت اجتماعی و ارتقاء هویت دارای بیشترین درجه وابستگی می‌باشند که به‌طور خلاصه می‌توان اشاره داشت که خروجی نظرسنجی به‌درستی بر مطالعات اولیه مبنی بر بنیادین بودن نقش کاتالیزورها در فرایند بازآفرینی مراکز تاریخی صحه گذاشته است. درواقع مؤلفه‌هایی نظیر خدماتی شدن هسته‌ها و مراکز تاریخی شهری نیز، نظیر انواع کاتالیزورها مهم‌ترین مؤلفه‌هایی هستند که تسری آنان به سایر مؤلفه‌ها اهداف اصلی بازآفرینی مراکز تاریخی را محقق می‌سازد. طبیعی است نقش توسعه از درون بودن طرح‌ها و برنامه‌ها در قالب طراحی قطعات میان افزای شهری، می‌توانند سایر مؤلفه‌های اثرگذار بازآفرینی را به جریان اندازند. مؤلفه‌های وابسته و اثرپذیر نظیر برقراری عدالت اجتماعی، رضایتمندی و ارتقاء هویت شهری نیز در واقع به‌عنوان معیارهایی که تحقق آن‌ها به‌منزله تحقق اهداف کلان بازآفرینی مراکز تاریخی مطرح است، ذکر گردیده و رتبه‌بندی شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

سطح‌بندی عوامل یا معیارهای مدل

در این مرحله، بایستی سطح عوامل به‌منظور مدل‌سازی تعیین گردد. به ازای هر مؤلفه (شاخص) سه مجموعه ورودی، خروجی و مشترک تشکیل گردید. بدین منظور شاخص‌هایی که اشتراک مجموعه خروجی و ورودی آنان یکی است در فرایند سلسله‌مراتب مشترک محسوب می‌شوند به‌طوری‌که هیچ شاخص دیگری مؤثر نیست، بنابراین شاخص بالاترین سطح از فهرست شاخص‌ها کنار گذاشته می‌شوند. این تکرارها تا کنار گذاشتن سطح تمام شاخص‌ها ادامه می‌یابد. سطح‌بندی شاخص‌ها در لایه‌های مختلف از بنیادین (نفوذ) و غیر بنیادین (وابسته) بودن شاخص‌ها در مدل (بازآفرینی مراکز تاریخی از منظر محرک‌های توسعه) دارد. بر اساس نتایج جدول (۳)، ارتقا هویت در سطح یک قرار گرفته است. همچنین عدالت اجتماعی در سطح دو و خدماتی شدن، فرهنگ مبنا بودن، نگرش تعاملی، رضایتمندی و تنوع کاربری در سطح سوم قرار گرفته‌اند. دیگر معیارها در مدل تفسیری –ساختاری در سطح‌بندی ۴ تا ۸ قرار گرفته‌اند؛ بنابراین ۱۸ معیار در ۸ سطح دسته‌بندی شده‌اند جدول (۳).

جدول (۳). سطح بندی معیارهای پژوهش در مدل تفسیری- ساختاری

معیار	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
C1	2 3 4 5 6 7 8 9 11 12 13 15 16 17 18	2 6 17 18	2 6 17 18	8
C2	1 4 5 7 8 9 11 13 14	5 8 11 13 14 17	5 8 11 13 14	3
C3	4 5 7 9 12 14 15 16 17	4 5 6 8 10 11 12 14 15 16 18	4 5 12 14 15 16	3
C4	3 6 7 9 10 12 14 15 16 17	11 13 3 2 1	3	8
C5	2 3 6 7 8 9 12 13 14 17 18	7 8 9 11 14 17 18 1 2 3	7 8 9 14 17 18 2 3	3
C6	1 3 7 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18	8 10 11 12 15 16 1 5 4	10 11 12 15 16 1	7
C7	5 8 9 14	1 2 3 10 11 12 13 14 15 16 17 18 6 4	14	3
C8	2 3 5 6 9 10 11 12 14 15 16	1 2 5 7 14 11 10 9	9 10 11 14 5 2	4
C9	5 8	1 2 3 4 5 6 10 11 12 13 15 16 17 18 8 7	5	2
C10	3 6 7 8 9 11 12 13 14 15 16 17 18	4 6 8 11 15 16	6 8 16 15 11	7
C11	2 3 4 5 6 7 8 9 10 13 14 15 16 17 18	1 2 6 8 10	2 6 8 10	8
C12	3 6 7 9 13 14 17 18	1 15 16 18 11 10 8 6 5 4 3 1	3 6 18	5
C13	2 4 7 9 14 17	1 2 5 6 10 11 12 18 17 16 15	17 2	4
C14	2 3 5 7 8	2 3 4 5 6 7 8 10 11 12 13 16 18	2 3 5 8 7	1
C15	3 6 7 9 10 12 13 16 17	1 4 6 8 10 11 18 16	6 10 16	6
C16	3 6 7 10 12 13 14 15 17	1 4 6 8 10 11 15 18	6 10 15	6
C17	1 2 7 9 13	1 4 18 16 15 13 12 11 10 6 5	1 13	3
C18	1 3 5 7 9 12 13 14 15 16 17 18	1 5 6 10 11 12 17	1 5 12 17	7

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

رابطه محرک‌های توسعه و احیای هسته تاریخی شهر کرمانشاه

در خصوص جایگاه پژوهش نسبت به یافته‌های مستخرج از نظریه‌پردازان محرک توسعه بازآفرینی، باید اشاره نمود عموم رویکردها در این زمینه بر اقتصاد رقابتی بر پایه خدمات تأکید نموده‌اند و توسعه اقتصاد محلی در عین توسعه عرصه‌های عمومی و زیرساخت‌ها مدنظر بوده است. همچنین با توجه به شرایط شهرهای ایرانی و لزوم انطباق معیارهای مدل بر آن‌ها، لزوم تزریق پروژه‌های پرچم، ارتقاء کیفی و کمی شبکه دسترسی درون بافت، توسعه فضاهای مخروبه و متروکه و نیز تأکید بر احترام به طبیعت که کمتر به‌عنوان معضل در هسته‌های تاریخی شهرهای جهان موردتوجه بوده، مورد تأکید قرار گرفته است. یافته‌های مدل بر اساس مطالعات نشان می‌دهد که ترکیب معیارهایی نظیر اختلاط کارکردی و تنوع فعالیتی، تثبیت نقش هسته مرکزی بافت در کلیت شهر، ارتقاء سطح دسترسی‌ها و تغییر ذهنیت شهروندان و افزایش مشارکت، می‌تواند اشتراکات مهم این حوزه باشد. در این خصوص نکته اساسی آن است که ارتقاء حس مکان و هم‌نشینی فعالیت‌ها در یک کل به‌هم‌پیوسته در عین تغییر ذهنیت شهروندان و سرمایه‌گذاران در جهت جذب سرمایه، وجه پررنگ‌تری در شهرهای ایرانی دارند. لذا تغییر کیفیات محیطی و ارتقاء زیرساخت‌ها در این زمینه بیشتر موردتوجه مدل مفهومی بوده است شکل (۹).

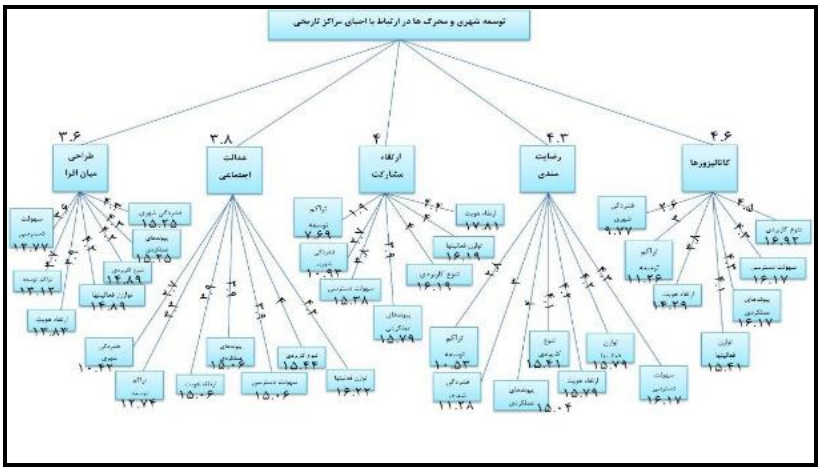

شکل (۹). درخت تصمیم‌گیری رابطه محرک‌های توسعه و احیای مراکز تاریخی

از اصلی‌ترین یافته‌ها در خصوص انطباق مدل بر هسته تاریخی کرمانشاه می‌توان بیان نمود که با توجه به شرایط محدوده موردنظر، محرک‌های توسعه از جنس تأمین و توسعه خدمات شهری و نیز گسترش عرصه‌های عمومی در زمین‌های بلااستفاده مخروبه و یا متروکه، ارتباط مستقیمی با تغییر ذهنیت شهروندان و ارتقای کیفی مکان داشته و از اولویت‌های هسته تاریخی محسوب می‌گردد. همچنین، پتانسیل‌های فرهنگی و تنوع کم‌نظیر بافت موردنظر، زمینه مناسبی را جهت برقراری رویدادهای فرهنگی، آئینی، قومی داشته و تعاملات شهروندان و نیز تغییر روحیه مکان از این منظر با پتانسیل‌های قابل‌توجهی روبروست. در این میان، بهره‌گیری از فرایندهای فرهنگ مبنا که بتواند جنبه اقتصاد رقابتی محیط را افزایش دهد، با توجه به تنوع فرهنگی و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

زمینه‌های کالبدی غنی به‌جامانده، می‌تواند منجر به ارتقاء کارکرد کلیه کاربری‌ها گردد. همچنین خروجی‌ها نمایانگر آن است که علیرغم آن‌که مطالعات پیشین، پروژه‌های پرچم را به‌ندرت توصیه می‌نمایند، اما بافت موردنظر به‌شدت نیازمند شاخص سازی و ایجاد یک برند تبلیغاتی بزرگ برای محدوده جهت جذب سرمایه و تغییر ذهنیت شهروندان و سرمایه‌گذاران می‌باشد. مکان‌یابی حدودی پروژه فوق، می‌تواند در وسیع‌ترین عرصه باز بافت (میدان سربازخانه) به‌واسطه ویژگی‌های منحصربه‌فرد آن اعم از دسترسی‌ها، دید و منظر و اندازه فضا، قرار گیرد.

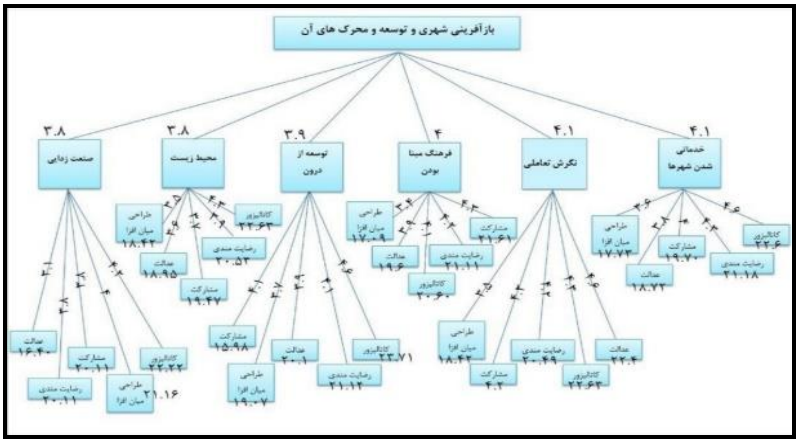

شکل (۱۰). درخت تصمیم‌گیری رابطه بازآفرینی و محرک‌های توسعه

انطباق ساختار مدل بر بافت موردنظر نشان داد که منطبق بر مطالعات نظری پژوهش که مالکیت‌های عمومی، دولتی، وقفی و میراثی را مناسب‌تر از سایر مالکیت‌ها در تخصیص برنامه‌های بازآفرینی محرک توسعه می‌داند، حجم مالکیت محدوده موجود عموماً دولتی و اداری بوده و تزریق عملکردهای خدمات محور، متنوع و نیز پیش‌بینی عرصه‌های عمومی، اولویت بالاتری داشته و امکان تحقق بالاتری دارند. لذا معیار خدماتی شدن مدل، در اینجا نیز به‌عنوان معیار بنیادین مورد تأکید و تأیید قرار می‌گیرد. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که میان حجم بالای عرصه‌های رها شده، مخروبه، اداری و نظامی ناسازگار و نیز توسعه‌های میان افزای محرک توسعه رابطه مستقیمی برقرار بوده و از این منظر کاتالیزورها از جنس توسعه عرصه‌های عمومی منجر به ارتقاء سطح تعاملات اجتماعی و مشارکت شهروندان می‌گردند. همچنین جایگاه طراحی میان افزای قطعات و توسعه درونی مدل، بر شرایط بافت تاریخی موردنظر منطبق بوده و با معیارهای مشارکت و نگرش تعاملی نیز به‌طور مستقیم در ارتباط است. خروجی‌های تحلیلی نشان می‌دهد که محرک‌های توسعه از جنس گسترش شبکه دسترسی و معابر، به دلیل وجود گره‌های شاخص تاریخی (ابنیه و پاتوق‌ها)، از اولویت بالایی برخوردار بوده و هسته مرکزی بافت تاریخی کرمانشاه به‌شدت به همپیوندی عملکردی و اتصال راه‌ها و گذرهای تاریخی نیاز دارد. همچنین توسعه دسترسی‌ها، می‌تواند شعاع عملکردی محرک‌های توسعه را در بافت بالا برده و منجر به ارتقاء کیفیات محیطی و رضایتمندی شهروندان گردد. عامل زیست پذیری محیط نیز با توجه به درختان قدیمی و عرصه‌های طبیعی سبز در معرض خطر، در اولویت نظرسنجی قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که هرچقدر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

کیفیت مثبت عرصه‌های طبیعی در ترکیب با عملکردها و کاربری‌ها و به‌خصوص عرصه‌های عمومی قرار گیرند، محرک‌های توسعه موفق‌تر عمل نموده و اثرگذاری درازمدتی را در محدوده از خود برجای می‌گذارند. همچنین ارتقاء تعاملات اجتماعی و مشارکت شهروندان به‌شدت به ارتقاء کیفیت محیط‌زیست وابسته بوده و میزان آن افزایش می‌یابد. ازآنجاکه فعالیت‌های صنعتی و مراکز وابسته در محدوده موردمطالعه سابقه‌ای نداشته لذا معیار صنعت زدایی کمترین رتبه را در اولویت‌سنجی کسب نموده و عملاً در فرایند فوق لحاظ نگردیده است. وجه فرهنگی و تنوع و تکثر فرهنگی تأکید شده در مطالعات نظری، در هسته تاریخی شهر کرمانشاه، در بالاترین سطح قرار داشته و چنانچه کاتالیزورها از جنس رویدادمحوری در عرصه‌های عمومی، برقراری فستیوال‌های فرهنگی و به‌خصوص آئینی (با توجه به تنوع مذهبی، دینی و فرهنگی) تعریف گردند، به‌شدت با توسعه اقتصادی بافت، ارتقاء مشارکت و تعامل شهروندان با محیط و نیز تغییر ذهنیت شهروندان و سرمایه‌گذاران رابطه مستقیمی خواهد داشت. طبیعتاً ارتقاء تشخص هویتی بافت از این منظر بسیار قابل‌تصور خواهد بود. از دیگر موارد مهم انطباق مدل بر بافت، لزوم گسترش اثرگذاری و اثرپذیری هسته تاریخی از بافت‌های پیرامونی بوده و در این زمینه کاتالیزورها باید از جنس توسعه شبکه دسترسی و تأمین تجهیزات شهری وابسته باشد تا بافت از ایزوله شدن خارج گردد شکل (۱۰).

مدل بازآفرینی محرک توسعه هسته تاریخی کرمانشاه

یافته‌ها نشان می‌دهد پتانسیل دسترسی‌های درون بافت که امکان ارتباط درون و بیرون را فراهم سازد تا حدود زیادی برقرار بوده و توسعه شبکه دسترسی‌ها می‌تواند به افزایش شعاع عملکردی کاتالیزورها و اثرگذاری بر بافت‌های پیرامون بینجامد. همچنین در خصوص آزمون فرضیه باید بیان داشت که محاسبات نظرات خبرگان به کمک تکنیک دلفی (پرسش‌نامه)، منجر به شناخت مؤلفه‌ها گردیده و شکل‌گیری مدل تفسیری ساختاری نیز به چگونگی رابطه میان مؤلفه‌ها و اثرگذاری آنان بر هم پرداخته و مؤلفه‌ها را به‌صورت ساختارمند تنظیم نموده است. این فرایند ضمن تأیید فرضیه (مبنی بر داشتن رابطه معنادار میان مؤلفه‌های بازآفرینی مراکز تاریخی و محرک‌های توسعه شهری) نوع و میزان اهمیت هرکدام را در ارتباط با سایر مؤلفه‌ها مشخص می‌سازد. همچنین نشانگر آن است که هرکدام از محرک‌ها (از هر نوع و سطحی) با چه درجه‌بندی اهمیتی می‌بایست در فرایند بازآفرینی مراکز تاریخی مورد تمرکز قرار گرفته و چگونه و به چه میزان سایر معیارها را تحت تأثیر مثبت قرار می‌دهند. در این راستا تطبیق مؤلفه‌های مدل، توسط پرسش‌نامه خبرگان به‌منظور بررسی چگونگی انطباق با بافت کرمانشاه، بخش دوم فرضیه مبنی بر چگونگی امکان انطباق را نشان داده و آن را از طریق ترسیم درخت تصمیم‌گیری و جداول رتبه‌بندی تأیید و تدقیق می‌نماید. راهبردهای مستخرج شده، منطبق بر بافت تاریخی کرمانشاه، چگونگی این انطباق را تا کسب نتایج راهبردی، نشان داد. یافته‌های حاصل از انطباق مدل بر هسته تاریخی کرمانشاه تا حدود زیادی انطباق‌پذیری مدل با شرایط بافت‌های تاریخی شهرهای ایرانی را تأیید نموده و در ابعاد گوناگون (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی- تاریخی، کالبدی- کارکردی و زیست‌محیطی)، شرایط هر مکان می‌تواند متفاوت بوده و اولویت برخی معیارها و یا به‌نوعی وزن آنان متغیر می‌باشد که در مدل نهایی بافت تاریخی کرمانشاه، رتبه‌بندی‌ها در این خصوص اعمال گردیده و به‌تفصیل شرح داده شده است شکل (۱۱).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

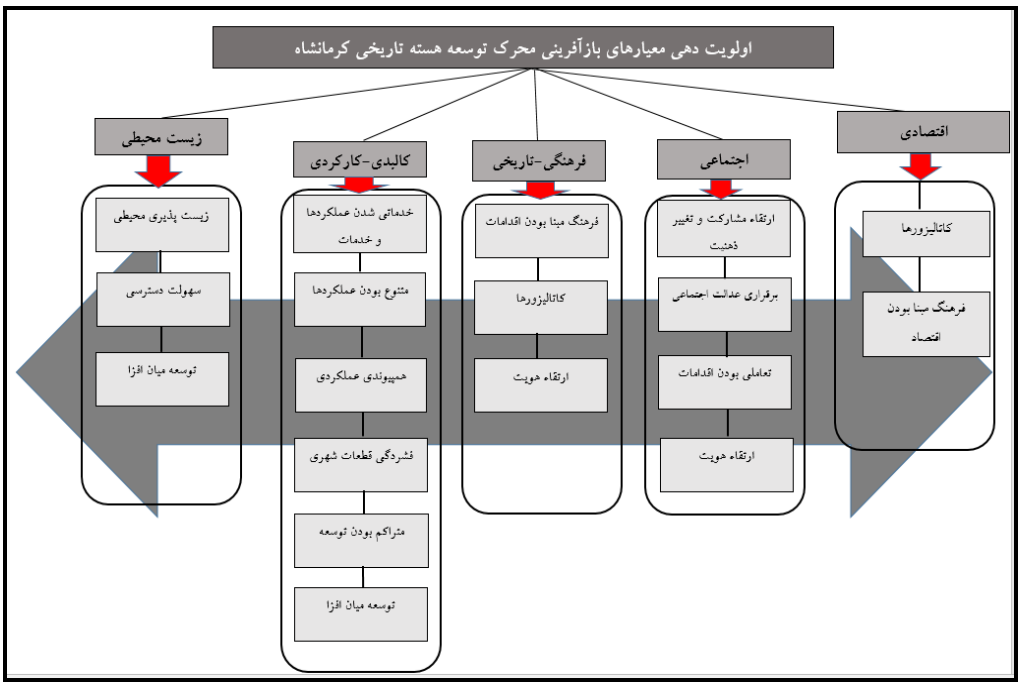

شکل (۱۱). اولویت معیارهای مدل بازآفرینی محرک توسعه هسته تاریخی کرمانشاه

نتیجه‌گیری

شهرهای ایرانی مبتنی بر ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی گسترده، زمینه بسیار مناسبی جهت بهره‌گیری از رویکردهای متنوع بازآفرینی جهت احیاء و نقش انگیزی مجدد مراکز تاریخی در کلیت شهر می‌باشند. از این دسته رویکردها می‌توان به بازآفرینی محرک توسعه اشاره نمود که جزء کاراترین و به‌روزترین رویکردها در این حوزه محسوب می‌گردد. پژوهش حاضر با انتخاب هسته تاریخی شهر کرمانشاه به‌عنوان نمونه شهرهای ایرانی، روش‌شناسی جدیدی را جهت یافتن مدلی کارا مبتنی بر کلیه دیدگاه‌های بازآفرینی محرک توسعه جهت تطبیق بر شرایط بافت موردنظر ارائه داده است. این یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های این پژوهش نسبت به پژوهش‌های پیشین است که در بحث روش‌شناسی قابل‌طرح می‌باشد. این معیارها در مدلی تفسیری ساختاری که بتواند کلیه اثرگذاری و اثرپذیری‌ها و نیز سطوح نقش انگیزی معیارها را توضیح داده و نیز ساختار بخشد، نمود یافته است. در پژوهش‌های مشابه، عمدتاً نقش محرک‌های توسعه در بافت‌های ناکارآمد غیر تاریخی و یا چگونگی احیاء مراکز تاریخی مدنظر قرار گرفته و نگاهی که بتواند کلیه مؤلفه‌های بازآفرینی مراکز تاریخی را از منظر محرک توسعه بررسی نموده و اولویت‌بندی نماید مشاهده نگردیده است. به‌عنوان‌مثال سجادزاده و زلفی گل (۱۳۹۴)، در پژوهشی بُعد اجتماعی را در بازآفرینی محرک توسعه محله کلپای همدان، مهم‌تر ارزیابی نموده و شاخص‌های مشارکت، امنیت، اعتماد و تعاملات اجتماعی را عامل موفقیت بازآفرینی در موضع موردمطالعه معرفی نموده‌اند. همچنین ابراهیم نژاد و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهش خود سعی در دسته‌بندی کلان ابعاد محرک‌های توسعه در فرایند بازآفرینی بافت‌های تاریخی داشته و در نتایج آن بیان می‌دارند که

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

محرک‌های توسعه می‌توانند انگیزه مشارکت را ارتقاء داده و کاربری‌های چندمنظوره و شاخص را پیشنهاد داده‌اند، لکن روابط میان معیارها و اثرگذاری یک یا چندجانبه مؤلفه‌های دخیل را تعیین ننموده‌اند. در پژوهشی دیگر پندار (۱۳۹۹)، صرفاً نقش مداخلات بزرگ‌مقیاس محرک‌های توسعه را در موضع خاص بررسی نموده و توجه به الگوی توسعه تاریخی را ضامن موفقیت و نقش انگیزی مثبت محرک‌های توسعه بر می‌شمارد، اما ترکیب سایر مؤلفه‌های اثرگذار را با محرک‌ها موردبررسی قرار نداده است. همچون حبیبی و قانع (۱۳۹۹) که امکان‌سنجی نقش هنر عمومی را به‌عنوان محرک توسعه بازآفرینی بافت تاریخی موردمطالعه قرار داده و رتبه‌بندی انواع هنرها را مورد تأکید قرار داده‌اند. عزیزی و بهرا (۱۳۹۶)، نیز ارتقاء شأن سکونت بافت، تحریک ساخت‌وسازها و وضعیت عمومی نوسازی کالبدی بافت را اصلی‌ترین معیارهای محرک توسعه بافت تاریخی در موضع موردمطالعه قلمداد نموده‌اند. در مقایسه با پژوهش‌های ذکر شده و علیرغم مشابهت‌ها در برخی معیارها و اسناد نظری پایه، پژوهش حاضر جمع بستی از اثرگذاری‌های معیارهای دخیل در هر سه حوزه محرک‌های توسعه، بازآفرینی و مراکز تاریخی را مد نظر قرار داده و به دنبال تعیین چگونگی اثرگذاری معیارهای محرک توسعه (به شکل کلان و خرد) بر معیارهای بازآفرینی مراکز تاریخی بوده و لزوم ساختاربخشی کلان معیارها و تعیین چگونگی روابط میان آنان را مد نظر قرار داده است. در واقع به‌جای تعیین دو یا سه معیار مشخص در یک یا دو بعد کلان در یک موضع خاص، ساختاری کلی از کلیه معیارها ایجاد نموده و سپس به‌منظور اعتبارسنجی و تدقیق بر موضع موردمطالعه اولویت‌بندی نهایی صورت پذیرفته است. ازاین‌رو می‌تواند ساختاری قابل‌بررسی در مواضع مشابه شهرهای ایرانی پیشنهاد دهد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد نوع بهره‌گیری از محرک‌های توسعه در فرایندهای بازآفرینی به‌شدت به شرایط بافت‌های تاریخی و وجود عرصه‌های خالی متروکه و مخروبه وسیع در بافت و ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی آن وابسته بوده و نمی‌توان انتظار داشت همه دیدگاه‌های بین‌المللی لزوماً قابل انطباق در شرایط شهرهای تاریخی ایران باشند، بلکه لازم است گام‌های آغازین بازآفرینی نظیر توسعه زیرساخت‌ها، تزریق کاربری‌های خدماتی ساده، حمایت‌های اجتماعی و زدودن محرومیت‌ها از بافت، برداشته شود تا بستر جهت استفاده از رویکردهای متنوع‌تر بازآفرینی فراهم آید. نتایج بیان می‌دارد هرچقدر شرایط بافت تاریخی از نظر فرسودگی‌های کالبدی و تاریخی وخیم‌تر باشد، جنس محرک‌های در نظر گرفته‌شده بایستی رویکردهای اجتماعی و اقتصادی را بیشتر مدنظر قرار داده و نمی‌توان از ابتدا از رویکردهای خلاقیت محور و مبتنی بر اقتصاد رقابتی در مرحله اول صحبت به میان آورد. ازاین‌رو ساخت عرصه‌های عمومی، آموزش‌های اجتماعی، تزریق کاربری‌های خدماتی خرد جهت افزایش اشتغال و سطح درآمد ساکنین، توسعه و تجهیز زیرساخت‌های اولیه و شبکه دسترسی و نیز تزریق پروژه‌های پرچم جهت تغییر روحیه مکان، از اولویت‌های محرک‌های توسعه در ارتباط با بازآفرینی مراکز تاریخی خواهند بود. در این میان حفاظت و احیاء بناهای تاریخی این بافت‌ها که به‌عنوان اصلی‌ترین سرمایه‌های فرهنگی هسته‌های شهری محسوب شده، تأثیری بسزا در کیفیت زندگی آینده این بافت‌ها ایفا نموده و منجر به ارتقاء هویت مکان می‌گردد. همچنین باید محرک‌های توسعه در فرایند بازآفرینی مراکز تاریخی با افزایش حس تعلق افراد به محله‌شان، انگیزه آنان را برای ماندن در این عرصه به‌تدریج تقویت کنند و انگیزه‌های لازم را برای کوچ کنندگان به‌منظور بازگشت تأمین نمایند. سطح تخریب و محرومیت بافت تاریخی کرمانشاه (هسته مرکزی ارگ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

حکومتی)، نشانگر آن است محرک‌های توسعه در بافت‌های تاریخی با سطح آسیب‌پذیری بالا و میزان فرسودگی کالبدی و فعالیتی بالا، نیازمند تزریق پروژه‌های پرچم و شاخص بوده و تا تصورات ذهنی نسبت به محدود تغییر نیابد، امکان جذب سرمایه‌های جدید محقق نخواهد شد. ترکیب تحقیق فوق با شرایط بافت نشان داد که علاوه بر اینکه اقدامات، توسعه دسترسی‌ها و خارج‌سازی بافت از ایزوله شدن تحقق نیابد، گسترش خدمات و تزریق فعالیت‌ها و کاربری‌ها نمی‌تواند بهره‌وری لازم را داشته باشد، ازاین‌رو اتصال دسترسی کلیه عملکردها در یک کل همپیوند بسیار ضروری است؛ بنابراین آنچه در این زمینه نمود بیشتری دارد و بایستی مورد تأکید قرار گیرد تأکید روی مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی در بازآفرینی بافت تاریخی شهر است؛ چراکه بازآفرینی بافت تاریخی شهر کرمانشاه بایستی در چند مرحله برنامه‌ریزی شود و مطالعه حاضر نشان می‌دهد که محرک‌های مبتنی بر بعد اقتصادی و اجتماعی در مرحله اول، سرلوحه طرح‌ها و برنامه‌ها هستند. نتایج نهایی پژوهش در خصوص ساختار محرک‌های توسعه که باید در فرایند بازآفرینی بافت‌های تاریخی، کارکرد معیارها را ارتقاء بخشیده و باعث هم‌افزایی نیروهای دخیل گردد این است که محرک‌ها باید زودبازده، تحقق‌پذیر با سرمایه و مداخله اندک، مبتنی بر سازوکار مشارکتی، ارزش افزا در ابعاد مختلف، زمینه گرا با بافت تاریخی موردنظر، متناسب با شرایط زمان و مکان، ارتقاء دهنده مطالبات شهری، قابل پایش و بازبینی مداوم، متوجه به انباشت سرمایه اجتماعی و خاطرات جمعی مکان، منسجم در مکان (شبکه‌ای) و مستمر در زمان (متداوم) باشند. ازاین‌رو محرک‌های توسعه باید ضمن لحاظ نمودن کلیه شرایط ویژه و محدودیت‌های بافت تاریخی، نقش هسته تاریخی را در کلیت شهر، تعریف و تدقیق نموده و آن را به‌مثابه محرک توسعه به بافت پیرامون در یک شبکه همپیوند متصل سازند. لازم به ذکر است، ازآنجاکه مدل نهایی، برآمده از مطالعات وسیع مفهومی ست، ازاین‌رو اولویت‌دهی به معیارها، پیش‌بینی قابلیت تعمیم‌پذیری مدل تفسیری ساختاری ایجادشده را تأیید می‌نماید. در نهایت برخی پیشنهادها در خصوص چگونگی اقدام محرک‌های توسعه در فرایند بازآفرینی هسته تاریخی شهر کرمانشاه در ابعاد مختلف بر اساس فرایند طی شده ارائه‌شده است:

۱- مشارکت واقعی مدیریت توسعه شهر با جامعه محلی و پرهیز از اقناع شهروندان در راستای تغییر ذهنیت و گسترش اقدامات تعاملی.

۲- توسعه اقتصاد رقابت محلی از طریق تزریق کاتالیزورهای جاذب سرمایه.

۳- اولویت‌دهی به پتانسیل‌های فرهنگی مکان در ساخت صنایع فرهنگی در راستای توسعه اقتصاد فرهنگ مبنا.

۴- احیاء تشخص فرهنگی مکان از طریق فعالیت‌های متناسب با روح مکان و بازتولید خاطره‌های جمعی و رویدادهای تاریخی در مکان‌های متناظر.

۵- تزریق پروژه‌های شاخص در ترکیب با عرصه‌های عمومی باز با شعاع عملکردی بالا و اثرگذاری بر محلات پیرامون در راستای ارتقاء نقش کاتالیزورهای شهری.

۶- تزریق کاربری‌های چندمنظوره تفریحی، گردشگری، فرهنگی و خدمات محور در راستای خدماتی شدن و تنوع‌بخشی به کارکرد فعالیتی بافت.

۷- ایجاد ارتباط منطقی میان گذرهای تاریخی و ابنیه شاخص و هویت‌ساز در راستای توسعه همپیوندی عملکردها.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

منابع

ابراهیم نژاد، محمدرضا؛ شیخ‌الاسلامی، علیرضا و ملک حسینی، عباس. (۱۴۰۰). **الگوی ارزیابی پروژه‌های محرک توسعه در بازآفرینی بافت فرسوده شهری**. تحقیقات جغرافیایی، ۳۶(۳)، ۲۵۳-۲۶۱.

ایزدی، محمدسعید. (۱۳۸۹). **پروژه‌های محرک توسعه راهکاری برای تحقق برنامه‌های بازآفرینی محلات و مراکز شهری**. جستارهای معماری و شهرسازی، ۹ (۳۲)، ۲۵-۲۶.

آریانا، اندیشه؛ محمدی، محمود و کاظمیان، غلامرضا. (۱۳۹۷). **مدل مدیریت تعارض ذینفعان بازآفرینی شهری بر پایه حکمروایی همکارانه**. نامه معماری و شهرسازی، ۱۱(۲۱)، ۱۲۳-۱۴۳.

آقایی زاده، اسماعیل؛ حسام، مهدی و محمدزاده، ربابه. (۱۳۹۸). **بررسی سرمایه اجتماعی در فرایند بازآفرینی شهری در بافت‌های مسئله‌دار شهری- (نمونه: شهر رشت)**. مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۶ (۱۹)، ۱۴۵-۱۶۷.

بحرینی، سیدحسین؛ ایزدی، محمدسعید و مفیدی، مهرانوش. (۱۳۹۲). **رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار**. مطالعات شهری، ۳ (۹)، ۳۰-۱۷.

برومندسرخابی، هدایت اله. (۱۳۸۸). **در جستجوی هویت شهری کرمانشاه**. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، چاپ اول.

پامیر، سای. (۱۳۹۲). **آفرینش مرکز شهری سرزنده**. ترجمه: مصطفی بهزادفر و امیر شکیبامنش، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

پریزادی، طاهر؛ زارعی، فاطمه؛ مرادی، مهدی. (۱۳۹۶). **ارزیابی محرک‌های توسعه شهری در ساختار تاریخی موردمطالعه: بافت تاریخی شهر قم**، مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۴(۱۵)، ۷-۳۱.

پندار، هادی. (۱۳۹۹). **چارچوب تبدیل فرایند شکل‌گیری پروژه‌های بزرگ‌مقیاس در بافت‌های تاریخی به محرک توسعه (کاتالیست) مثبت (مورد پژوهی: بافت تاریخی نجف اشرف)**. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۸ (۲)، ۷۳-۹۵.

پوراحمد، احمد؛ کشاورز، مهناز؛ علی‌اکبری، اسماعیل؛ هادوی، فرامرز. (۱۳۹۶). **بازآفرینی پایدار بافت‌های ناکارآمدی شهری موردمطالعه (منطقه ۱۰ شهر تهران)**، مجله آمایش محیط، ۱۰(۳۷)، ۱۶۷-۱۹۴.

پورتر، لیبی و شاو، کیت. (۱۳۹۲). **کدام نوزایی شهری؟ مقایسه استراتژی‌های بازسازی شهری در سطح بین‌الملل**. ترجمه: منوچهر طبیبیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

پیرحیاتی، مهدی؛ ترکجزی، میلاد و آئیینه چی، شهرزاد. (۱۳۹۲). **بازآفرینی بافت‌های کهن شهری با تکیه‌بر بن‌مایه گردشگری شهری (نمونه مطالعاتی: محله صوفیان بروجرد)**. همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان.

تقوی زنجانی، تقی؛ ابراهیمی، لیلا؛ بزرگمهر کیا حق زاد، آمنه. (۱۳۹۹). **واکاوی تأثیر متغیرهای شهر سالم بر بهسازی و نوسازی بافت فرسوده (نمونه موردی؛ محلات فرسوده شهر قائم‌شهر)**، نشریه جغرافیایی فضای گردشگری،۹(۲۶)، ۱۳۱-۱۵۲.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

تیزدل، استیون؛ اک، تانر و هیث، تیم. (۱۹۹۶). **ارزیابی مجدد کیفیت محله‌های تاریخی شهری**. شهرسازی و معماری هفت شهر، ۱(۲)، ۶-۱۶.

حاجی همدانی، آذین؛ ماجدی، حمید و جهانشاهلو، لعلا. (۱۳۹۴). **بررسی معیارهای تأثیرگذار بر افزایش میزان فعالیت زنان در فضاهای شهری (مطالعه موردی: محله پونک ۲۰ متری گلستان تهران)**. مطالعات شهری، ۴(۱۴)، ۴۷-۶۰.

حبیبی، میترا و بهنامی فرد، فائزه. (۱۳۹۶). **شناسایی و تحلیل جنسیتی عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان به استفاده از اینترنت (مطالعه گروهی از نوجوانان شهر کرج)**، مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی، ۵ (۳)، ۱۷۹-۲۰۱.

حبیبی، میترا و قانع، مهسا. (۱۳۹۹). **امکان‌سنجی قابلیت‌های هنر عمومی به‌عنوان محرک توسعه در بازآفرینی بافت فرسوده (نمونه موردی: محله چهارراه مازندران سمنان)**. مسکن و محیط روستا، ۳۹(۱۷۰)، ۸۳-۹۸.

سجادزاده، حسن و زلفی گل، سجاد. (۱۳۹۴). **نقش طراحی شهری در بازآفرینی محلات سنتی با رویکرد محرک توسعه (نمونه موردی: محله کلپا همدان)**. آمایش محیط، ۸ (۳۱)، ۱۴۷-۱۷۱.

سلطانی، محمدعلی. (۱۳۷۳). **جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان**. تهران: موسسه فرهنگی سها، چاپ اول.

سلیمی یکتا، پروین؛ دریاباری، سیدجمال الدین؛ سیدعلیپور، سیدخلیل. (۱۳۹۸). **بررسی بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده منطقه ۱۲ شهر تهران با تأکید بر رویکرد بازآفرینی**، نشریه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۱(۲)، ۱۴۹-۱۶۱.

سیف، علی‌اکبر. (۱۳۷۵). **روش‌های اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی**. تهران: نشر دوران.

شاهینی فر، مصطفی؛ پاهکیده، اقبال؛ چاره‌جو، فرزین؛ خالدیان، ژیلا. (۱۳۹۹)، **سنجش میزان مشارکت‌های مردمی در نوسازی بافت‌های فرسوده شهری (نمونه موردی: بافت قدیم شهر کرمانشاه)**، نشریه آمایش محیط، ۱۳(۴۸)، ۱۵۳-۱۷۲.

عربشاهی، زهرا. (۱۳۸۲) .**سابقه نوسازی و بهسازی بافت قدیم شهری در ایران و اروپا**، مجله شهرداری‌ها، ۴۹: ۴۵-۵۲.

عزیزی، محمدمهدی و بهرا، بهاره. (۱۳۹۶). **نقش پروژه‌های محرک توسعه در بازآفرینی بافت مرکزی شهرها (نمونه مطالعاتی: بافت تاریخی شهر یزد)**. هنرهای زیبا، ۲۲(۴)، ۵-۱۶.

عندلیب، علیرضا؛ روشن علی، فاطمه. (۱۳۹۷). **مسئله یابی بافت‌های ناکارآمد شهری مهم‌ترین مرحله مشارکت دهی ساکنان در موفقیت برنامه‌های نوسازی (نمونه موردی: محله شهید خوب بخت تهران)**، فصلنامه مدیریت شهری، ۵۲، ۹۳-۱۰۸.

غراب، ناصرالدین. (۱۳۹۰). **هویت شهری**. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و نشر راه دان.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

فتح العلومی، ایل ناز؛ کاشانی جو، خشایار. (۱۴۰۱). **بررسی اصول مکان‌یابی پروژه‌های محرک توسعه شهری در بافت‌های تاریخی (نمونه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران)**، مجله علوم و تکنولوژی محیطزیست، ۲۴(۱)، ۵۳-۶۹.

فرشچین، امیررضا؛ رفیعیان، مجتبی و رمضانی، راضیه. (۱۳۹۸). **بازتوسعه مراکز شهری در چارچوب رویکرد توسعه میان افزای مسکونی (نمونه موردی: محله بازار تجریش)**. آمایش جغرافیایی فضا، گلستان: انتشارات دانشگاه گلستان. ۹ (۳۱)، ۱۳-۳۸.

قره بگلو، مینو؛ نژادابراهیمی، احد و جاویدمهر، ملیحه. (۱۳۹۷). **ارزیابی مراکز شهری مبتنی بر رویکرد پاسخ‌دهی محیطی (مطالعه موردی: منطقه مرکزی شهر گنبدکاووس)**. مطالعات مدیریت شهری، ۷ (۲۷)، ۳-۱۶.

کرکماز، اوزگور. (۱۳۹۳). فرایند نوسازی شهری در ترکیه. ترجمه: نعیمه رضایی، نشریه اینترنتی نوسازی، ۵ (۲۵).

لطفی، سهند. (۱۳۹۰). **بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا تأملی بر بن‌مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی**. هنرهای زیبا، ۳ (۴۵)، ۴۹-۶۲.

لطفی، سهند. (۱۳۹۱). **تبارشناسی بازآفرینی شهری از بازسازی تا نوزایی. تهران: انتشارات آذرخش.**

محمدی، امیرعلی؛ ستاری بانقلی، حسن؛ فرامرزی اصل، مهسا و پاکدل، محمدرضا. (۱۴۰۰). **تدقیق توسعه گردشگری در بازآفرینی فرهنگ مبنا (مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر مینودری)**. جغرافیایی فضای گردشگری، ۱۰(۳۸)، ۱۲۱-۱۳۸.

نعمتی کوتنایی، ناهید؛ سرور، رحیم و اسدیان، فریده. (۱۳۹۶). **محرک توسعه شهری: مفاهیم و الزامات.** فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیا، ۱۵ (۵۵)، ۳۲۱-۳۳۶.

هاشمی، محمدرضا؛ شیعه، اسماعیل و ذبیحی، حسین. (۱۳۹۹). **مکان‌یابی موقعیت پردازه‌های محرک توسعه در بافت‌های ناکارآمد شهری (مورد پژوه ناحیه ۲ منطقه ۱۸ شهرداری تهران)**. باغ نظر، ۱۷ (۸۴)، ۵۱-۶۲.

یزدانی، سعید؛ فتاحی زاده فهیمه؛ شیخ‌الاسلامی، علیرضا؛ اعتماد، گیتی. (۱۴۰۰). **بازآفرینی شهری پایدار در بافت‌های تاریخی با رویکرد یکپارچه (مطالعه موردی: محله دروازه ری و محدوده بازار قم)**. فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی. ۳۶ (۴)، ۴۳۷-۴۴۶.

Alpopi, C. and Manole, C. (2018). **Integrated Urban Regeneration Solution for Cities Revitalize,** Procedia Economics and Finance, 62(3), 178-185.

Awad, J. & Jung, C. (2022). **Extracting the Planning Elements for Sustainable Urban Regeneration in Dubai with AHP (Analytic Hierarchy Process)**. Sustainable Cities and Society, 76(2),1-14.

Beauregard, R. A. & Holcomb, H. B. (1981). **Revitalizing cities**. Association of American Geographers.

Camerin, F. (2019). **From "Ribera Plan" to "Diagonal Mar", passing through 1992 "Vila Olímpica". How urban renewal took place as urban regeneration in Poblenou district (Barcelona)**. Land Use Policy, 89(3),1-15.

Capolongo, S. Sdino, L. Dell'Ovo, M. Moioli, R. & Della Torre, S. (2019). **How to assess urban regeneration proposals by considering conflicting values**. Sustainability, 11(14), 1-19.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

Colantonio, A. & Dixon, T. (2011). U**rban Regeneration & Social Sustainability: Best Practice from European Cities.** Wiley-Blackwell.
Cowan, R. (2005). **The Dicthonary of Urbanism**. Great Britain: Streetwise Press.
Dean, K. & Trillo, C. (2019). **Assessing sustainability in housing led urban regeneration: Insights from a housing association in Northern England**. Architecture_MPS, 15(2): 1-18.
Faisal, M. Banwet, D. K. & Shankar, R. (2006). **Supply Chain Risk Mitigation: Modelling the Enablers**. Business Process Management, 12(4): 535-552.
Fattahizadeh F. Yazdani S. Sheikholeslami A, Etemad G. (2021). **Presenting a Model of Sustainable Urban Regeneration in Historical Contexts with an Integrated Approach Case Study: Darvazeh Rey Neighborhood and Qom Bazaar Area.** Geographical Researches, 36(4), 437-446.
Ferretti, V. Grosso, R. (2019). D**esigning successful urban regeneration strategies through a behavior- al decision aiding approach**, https://doi.org/ 10.1016 /j. cities.2019.06.017.
Furlan, R. & Faggion, L. (2017). **Urban Regeneration of GCC Cities: Preserving the Urban Fabric's Cultural Heritage and Social Complexity.** Journal of Historical Archaeology & Anthropological Sciences, Volume 1(1): 14-18.
Grodach, C. & Loukaitou-Sideris, A. (2007). **Cultural Development Strategies And Urban Revitalization, A survey of US cities.** International Journal of Cultural Policy, 13(4): 349–370.
Gu, Z. & Zhang, X. (2021). **Framing social sustainability and justice claims in urban regeneration: A comparative analysis of two cases in Guangzhou**. Land Use Policy, 102(2),1-17.
Hall, P. (2000). **Creative Cities and Economic Development**. Urban Studies, Vol.37, No.4: 639-649.
Immrie, R. Thomas, H. & Marshall, T. (1999). B**usiness organizations, local dependence and the politics of urban renewal in Britain.** Urban Studies, (32): 1-25.
Knippschild, R. & Zöllter, C. (2021). **Urban Regeneration between Cultural Heritage Preservation and Revitalization: Experiences with a Decision Support Tool in Eastern Germany, Experiences with a Decision Support Tool in Eastern Germany**. Journal of land, 10(6): 1-12.
Kongsombat, P. (2010). **Study on urban catalyst for sustainable urban development case study of IMS/Solaria Plaza Hotel II Palazzo**.
Korkmaz, C. Balaban, O. (2020). S**ustainability of urban regeneration in Turkey: Assessing the performance of the North Ankara Urban Regeneration Project.** Habitat International, 95(2),1-13.
Kotze, N. & de Vries, L. (2019). **Resuscitating the African Giant: Urban Regeneration and Inner City Redevelopment Initiatives along the 'Corridors of Freedom 'in Downtown Johannesburg.** Geographia Polonica, 92(1): 57-70.
Lak, A. Gheitasi, M. & Timothy, D. J. (2020). **Urban regeneration through heritage tourism: Cultural policies and strategic management**. Journal of Tourism and Cultural Change, 18(4), 386-403.
McArthur, T. Lam- Mc Arthur, J. & Fontaine, L. (2018). **Oxford Companion to the English Language**. Oxford University Press.
Nasser, N. (2003). **Planning for Urban Heritage Places: Reconciling Conservation, Tourism, and Sustainable Development**. Journal of Planning Literature, (17): 467-479.
O' Toole M. & Usher, D. (1992). **property-led urban regeneration**. London: E. & F. N. Spon.Register, R. (2002). **Ecocities: Building Cities in Balance with Nature**. Berkley: Berkley Hills Books.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]

Ramsey, E. (2017). V**irtual Wolverhampton: Recreating the historic city in virtual reality**. ArchNet-IJAR: International Journal of Architectural Research, 11(3), 42-57.
Roberts, P. (1995). **Environmentally Sustainable Business: A local and Regional Perspective**, Paul Chapman, London.
Roberts, P. (2000). **The evolution definition and purpose of urban regeneration**. London, SAGE Publications.
Ruijsbroek, A. Wong, A. van den Brink, C. Droomers, M. van Oers, H. A. M. Stronks, K. & Kunst, A. E. (2019). **Does selective migration bias the health impact assessment of urban regeneration programmes in cross-sectional studies? Findings from a Dutch case study.** Health & place, 55: 155-164.
Shadar, H. & Shach-Pinsly, D. (2022). **From Public Housing to Private Housing: Neglect of Urban Qualities during the Urban Regeneration Process**. Land, 11(6),1-16.
Shahbazi, Y. Pourshikhian, A. & Asghari, H. (2021). **Inefficiency of urban planning and management in organizing worn-out textures and its role in sustainable tourism development (Case study: Kremanshah).** Journal of Tourism Hospitality Research, 8(3), 55-72.
Smyth, H. (1994). **Marketing the City. the Role of flagship Developmems in Urban Regeneration. Reframing Urban Policy**. Policy and Politics, 21(1): 40-67.
Song, Y. & Knaap, G.J. (2004). **Measuring Urban Form: Is Portland Winning the War on Sprawl?** Journal of the American Plannig Association, 70(2): 210-225.
Stubbs, M. (2004). **Heritage-sustainability: developing a methodology for the sustainable appraisal of the historic environment**. Planning Practice & Research, 19 (3): 285-305.
Temelova, J. (2007). **Flagship Developments and The Physical socialist, Inner City, The golden angel project in Prague, Department of Social Geography and Regional Development.** University of Prague: Faculty of Science Charles.
Vatanparast, M. (2020). **Evaluation of urban regeneration of worn-out neighborhoods to enhance physical resilience (Case study: The worn-out texture of Faroj city).** Journal of Applied researches in Geographical Sciences, 20(58), 261-281.
Vehbi, B. O. & Hoskara, S. Ö. (2009). **A Model for Measuring the Sustainability Level of Historic Urban Quarters**. European Planning Studies.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOI: 10.61186/jgs.23.71.433]